هفته‌نامه
شماره ۶
چهارشنبه ۲ خرداد ۵۸
زیرنظر شورای نویسندگان امت
بها ۱۰ ریال

# امت

وکذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا



## سرمقاله

# مردم کلید حل مشکلاتند!

همه از مردم صحبت می‌کنیم، آنها را مخاطب میسازیم، پیروزی انقلاب را بهمّت و اراده آنان میدانیم و قدرت و حکومت را منبعث از آنان و بخاطر آنان می‌شماریم، تجلیلشان می‌کنیم، در تقدیس و تکریم بمارج می‌رسانیمشان!

ولی در حقیقت تا چه حد مردم را بحساب می‌آوریم و مردم خودشان را؟!

بیشتر اوقات مردم بازیچه قدرتها بوده‌اند، و کسانی که از علاقه و اتکاء بمردم دم می‌زنند در حقیقت بآنها چون وسیله‌ای می‌نگرند که باید ایشان را در رسیدن بمقصود یاری کنند. از قدیم بسیاری را اعتقاد بر آن بود که مردم گاو شیردهی هستند که فقط باید دوشیدشان و سرشان را با شعارهای توخالی و الفاظ فریبنده گرم ساخت.

آنها که صداقت و تقوی بیشتری دارند — مردم را دلسوزانه رهبری می‌کنند — همانند افراد صغیر یا سفیه و نادانی که باید دستشان را گرفت و هدایتشان کرد. باید بآنها خدمت کرد. این دلسوزی و خدمت را از سر لطف و ترحّم، انجام میدهند. این شیوه برخورد با مردم متأثر از فرهنگ نظامات شرک و طبقاتی است که در هر جامعه افراد برگزیده و طبقات ممتازه‌ای هستند صاحب فکر و اندیشه که باید بر توده عامی و بیسواد، فرمان برانند و آنها را رهبری کنند — در این نحوه تفکّر مردم باید رهبری شوند، زیرا حتی قادر به تشخیص این ضرورت هم نیستند.

این نحوه تفکّر از گذشته بسیار دور در جامعه رواج داشته است. در یونان قدیم رهبری و فرمانروایی را خاص یک قشر برگزیده و دانشمند و کار و اطاعت و فرمانبرداری را مخصوص مردم می‌دانستند. افلاطون در مدینهٔ فاضلهٔ خود از حکومت دانشمندان صحبت میکند. در کلیه جوامع طبقاتی این طرز فکر به‌اشکال مختلف رواج داشت — در جوامع جدید که اندیشه حاکم دموکراسی و حکومت مردم است — اگر چه در حرف — مردم اهمیت پیدا کرده‌اند — امّا در اصل باز هم کسان دیگری خود را رهبر و راهنمای مردم میدانند و از جانب آنان تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

یکی از اندیشه‌های انحرافی در ذهن روشنفکران — احساس وظیفه مطلق رهبری و هدایت مردم است — گوئی آنها برای قیادت خلق آفریده شده‌اند و مردم استعدادی جز گوش دادن و فرمان بردن ندارند.

در کلیه دموکراسیهای جدید — شرقی یا غربی —

بقیه در صفحه ۲

بیانیه

## جنبش مسلمانان مبارز

### در رابطه با شرایط حاد کنونی

بنام خدا

پس از سه ماه که از انقلاب پیروزمند خلق مسلمان ما می‌گذرد، روند حوادث و تحولات به‌گونه‌ای است که برای بسیاری از مبارزان آگاه، نگرانیهایی نسبت بسرنوشت و جهت حرکت انقلاب بوجود آورده است. پاسخ باین سوال هر روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که هدفهای انقلاب چه بودند، و آیا ما درست در جهت وصول به‌اهداف انقلاب پیش می‌رویم؟ آیا دستاوردهای انقلاب تا این لحظه مطلوب و امیدبخش‌اند یا کمتر از انتظار و یا به‌کلی بر خلاف انتظارند؟

از دو دیدگاه به‌انقلاب نگریسته‌اند: دسته‌ای آنرا یک انقلاب دموکراتیک و صرفاً ضد استبدادی و ضد استعماری تفسیر می‌کنند و دسته‌ای آنرا انقلاب مکتبی. هر یک از دو نگرش، توقعات خاصی بدنبال می‌آورد:

از دیدگاه دسته اول — انقلاب در سرکوبی استبداد و محاکمه و اعدام سران و گردانندگان رژیم استبدادی پیروز شده و اکنون گامهای کم و بیش موثری در جهت استعمار زدایی بر می‌دارد — از این دیدگاه انقلاب وظیفه دیگری هم دارد و آن تامین آزادیهای دموکراتیک برای تمام گروهها و دستجات و لغو هر نوع محدودیت برای نوشتن گفتن و تشکیل اجتماعات و شرکت دادن همه نیروها و احزاب در تصمیم گیریها و اداره مملکت صرفنظر از عقاید، مذهب و ایدئولوژی آنهاست — چون انقلاب دموکراتیک است نباید عقیده و نظام فکری خاصی را تحمیل کند و حاکم سازد و نباید قدرت در دستهای گروه معینی متمرکز شود. مردم از طریق شرکت در احزاب و سپس انتخابات و تشکیل مجالس نمایندگی درباره آینده مملکت، شکل حکومت و سیاستهای آن تصمیم خواهند گرفت.

بقیه در صفحه ۳

## امام:

## شکی نداریم، میدانیم آنها ما را محکوم میکنند



امام خمینی در ملاقات با گروهی از نمایندگان مردم، دلسوزی و اعتراض سنای آمریکا نسبت به‌اعدام خیانتکاران و جنایتکاران را ناشی از خصلتهای طبیعی نظام حاکم آمریکا و نمایندگان آن دانسته و گفتند که، انتظار دیگری از آنان نداریم.

ما در ذیل قسمتی از سخنان مهمّ امام را در این مورد می‌آوریم:

دو روز پیش از این بود که سنای آمریکا به‌اتفاق آراء اعدامهائی که در ایران شده است محکوم کردند. آنهم که طرح داده یکی از دوستان اسرائیل و خودش هم از صهیونیستها. معلوم است که سنای آمریکا باید محکوم کند ما را. شکی نداریم، میدانیم آنها ما را محکوم میکنند. منتها حرف تمیزد. مجالس آمریکا ما را محکوم می‌کند برای اینکه آن داغی که بدل آمریکا وارد شده است بوسیله این نهضت بدل هیچ‌کس وارد نشده، هیچکدام از ممالک باندازه این استفاده نمی‌کردند. باید ما محکوم باشیم. توقّع اینکه سنای آمریکا مثلاً موافق با ما باشد توقع بی‌جائی است توقّع اینکه اعدامهای ما را محکوم نکند این توقعی بی‌جاست. ما هیچ توقعی از آمریکا نداریم. مخصوصاً که دولت ایران از اسرائیل نفت را قطع کرده و تا آخر هم بهش نفت نمیدهد. آنهم از دوستان نزدیک آمریکا و سنای آمریکاست. ما توقّع نداریم که دولت آمریکا، بما، چه کرده بود اگر چنانچه این اعدامها ادامه پیدا بکند در روابط ایران با آمریکا یک قدری خطر میافتد. الهی که خطر بیافتد ما روابط با آمریکا میخواهیم چه بکنیم. روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است. روابط یک غارت شده با یک غارتگر است. ما هیچ توقعی نداریم که دولت آمریکا یا سایر دول ابرقدرت، آنهایی که میخواهند منافع ما را ببرند حالا که ما دستشان را کوتاه کردیم بیایند از ما تشکر کنند. البته نباید هم تشکر کنند.

... سنا از یک طرف هست و جمعیّت حقوق بشر از یکطرف و جمعیتهائی که خودشان درست کردند برای بازی دادن مردم. آنها همه متأسفند ما هم میدانیم که همه متأسفند. آنها باید عزا بگیرند. برای اینکه میدانند چی از دست داده‌اند. نوکرها را از دست داده‌اند چه نوکرهائی...

... یک آدم مادی جز بیمادیگری فکر نمی‌تواند بکند. اصل شرف را اینها نمی‌توانند بفهمند یعنی چه؟ همه شرف را باین میدانند که مبلشان خیلی خوب باشد. همه شرافت را باین میدانند که چندین دستگاه مثلاً عمارت داشته باشند. عمارتش چه جوری باشد.

... ملّت ما نجیب است. ملّت ما اسلامی است و الاّ همان روز اوّل همه اینها را با هرچی بود غارت کرده بودند و ازبین برده بودند ولی ملّت ما ملّتی است که ادب اسلامی دارد... وقتی آمدند حبس‌های ایران را دیدند رفتند گفتند حبس‌ها خوب است مطابق با تمدن است. مطابق بدموکراتیک است. برای اینکه منطق، منطق اسلامی است، منطق انسانی. منطق اسلامی نمیتواند غیر از این باشد.

* * * *

## کدام حقوق بشر...!؟

در روابط اجتماعی، تنها انسان‌ها یا ملّت‌ها نیستند که استثمار میشوند. کلمات نیز گاه چنین سرنوشتی دارند. و این وقتی است که واژه‌ای را درست برخلاف مفهوم واقعی‌اش بکار گیرند: بنام آزادی سلب آزادیهای فردی و اجتماعی کردن، بنام دموکراسی اختناق را گستردن و بنام انقلاب مانع گرایش‌های انقلابی و سازنده‌شدن و زمینه‌های انقلابی را نابود کردن. در اینجاست که مفاهیم نیز مظلوم واقع گشته و استثمار میشوند. شوم‌ترین چهره فاشیسم را جز این نمیتوان تصویر کرد. بقول ژاک سادول اندیشمند فرانسوی: «بسیاری از آزادیها را بدون هیچ خطری بطور ظاهری و صوری میتوان داد کافی است آنها را از محتوای حقیقی‌شان تهی کنند».

نمونه‌های تاریخی فراوان در زندگی همه ملّت‌ها میشود یافت. از تاریخ اسلام بگوئیم که تأسیس کفرآمیز «مسجد ضرار» را منافقان برگرفتند تا بر علیه رسالت اسلام بکار گیرند و «مسجد» را از محتوای واقعی‌اش تهی کنند «..... مسجدی برگرفتند تا زیان زنند و کفر ورزند و میان مؤمنان جدائی افکنند و از آن چون کمینگاهی برای کسانیکه همواره با خدا و رسولش جنگیده‌اند استفاده کنند در حالیکه سوگند می‌خورند که جز نیکوئی هدفی ندارند. امّا خداوند گواهی دهد که آنان دروغگویند» بنابراین خدا به‌پیامبر امر کرد که «هرگز در آن نایستد!...»[1] آن به‌نیزه‌کردن» قاسطین ضد حقّ تأسیس تزویرآلود دیگری بود برای از میدان بدرکردن پیروان انقلابی امام علی ع. تا معاویه فرصت یابد در پناه «جلد قرآن» محتوای قرآن را نابود سازد.

در تاریخ ایران هم نمونه‌ها داریم که شوم‌ترینشان «انقلاب سفید» بود: آنچه که نه انقلاب بود و نه سفید. توطئه سیاه امریکا بود برای هر چه بیشتر وابسته‌کردن ایران بسیاست و اقتصاد غرب. «انقلاب کاخ سفید» بود برای ریشه‌کن‌کردن امکانات و زمینه‌های انقلابی ملّت ما.

نهاد انسانی «حقوق بشر» تازه‌ترین موردی است که در سطح جهانی اکنون مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. «حقوق بشر» بمثابه نهادی که در طول تاریخ ره‌آورد انقلابات ملّی بود، بعنوان اصول حقوقی عام بین‌المللی مقبول ملل متمدّن جهان در آمده، اکنون بر اساس و دموکراسی غرب در جهت منافع امپریالیسم بخدمت گرفته شده است. اصولاً شیوه دموکراسی

بقیه در صفحه ۷

دکتر حبیب‌اله پیمان

## مباحث ایدئولوژیک

### دنباله واژه امت: امت واحد و علل بروز اختلاف

گفتیم که بر اساس وحدت مقصد و طریق، امت تحقق می‌یابد، صرفنظر از آنکه هدف برحق و طریق مستقیم باشد یا نه. بهمین جهت به‌تعداد هدفها و راه و روشها امت‌ها وجود دارند.

تفاوت امت‌ها مبتنی بر تفاوت هدف و راه آنهاست و چون انتخاب هدف و راه مربوط به‌تشخیص و شرایط آن است و چون قدرت تشخیص آگاهانه و انتخاب مختص انسان است، بنابراین اختلاف امم تنها در بین افراد نوع انسان دیده می‌شود، حیواناتی که از تشخیص غریزی پیروی می‌کنند در مقصد و راه به‌اختلاف نمی‌افتند بین انواع مختلف، تفاوت وجود دارد ولی همه افراد یک نوع، رو بسوی یک هدف و درست در یک مسیر گام برمی‌دارند و از راه و رسم و شیوه‌های واحدی پیروی می‌کنند. (به‌آیه ۳۸ سوره ۶ رجوع کنید)

از این رو نوع انسان هم تا وقتی از فرمان غریزه تبعیت می‌کرد و فاقد اراده آزاد بود و انتخاب راه و روش و مقصد از روی غریزه انجام می‌گرفت، همانند دیگر انواع حیوانات در وحدت کامل بسر می‌برد و اختلافی بین آنها مشهود نبود....

در این مرحله بشر بصورت امت واحدی می‌زیست وحدت افراد بشر چنانکه اشاره شد مشابه وحدت بین افراد یک نوع از حیوانات بود — (آیه فوق) اختلاف در بین آنها ممکن نبود. تشخیص‌ها غریزی، محرکها غریزی و عکس‌العملها هم غریزی بود و چون همه افراد بشر بر یک فطرت واحد ساخته شده بودند در محرکها، تشخیص‌ها و عکس‌العملها هم وحدت داشتند.

بقیه در صفحه ۶

## جنگ سرد علیه ایران

در خبر می‌خوانیم که سنای آمریکا به «اتفاق آراء» اعدام جنایتکاران رژیم پیشین را محکوم کرده و اخطار نمود که اگر اعدام این جانیان ادامه یابد، «روابط نزدیک و دوستانه میان ایران و آمریکا شدیداً به‌خطر می‌افتد.»

یکبار دیگر بلندگوهای رسمی غارتگران بین‌المللی و سرمایه‌داری جهانخوار در مورد اعدامهای انقلابی مزدوران رژیم شاه به‌صدا درآمده‌اند و این‌بار یک ارگان رسمی مملکتی اعدام این جانیان را «به‌اتفاق آراء» محکوم می‌کند و حتی به‌ملت ایران اخطار می‌کند که در صورت ادامه این اعدامها «روابط نزدیک و دوستانه میان ایران و آمریکا شدیداً به‌خطر می‌افتد.» بدون شک ریشهٔ اینگونه اعتراضات و پرخاشگری‌های ناگهانی و یکباره را باید در خصلتها و عملکرد سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم، که این بانیان حقوق بشر و دمکرات‌مآب ستادیان جیره‌خوار آن هستند،

بقیه در صفحه ۳

## اجتهاد انقلابی در زمینه اقتصاد

.....الامرون بالمعروف و الناهون عن‌المنکر و الحافظون لحدود الله بشر المؤمنین

سوره توبه آیه ۱۲

.....امر به‌معروف و نهی ازمنکر کنندگان و حافظان حدود الهی و مؤمنان را بشارت ده.

**طرحی از ضروریترین نیاز امروز — ضرورت یک اجتهاد انقلابی در زمینه اقتصاد.**

چه در ایران قبل از انقلاب و چه در ایران بعد از آن خلق ستمدیده ایران با اعتماد عمیق و خدشه ناپذیری که به‌اسلام داشته، همواره شعار برادری را با زیر بنای برابری (قسط و عدل) شنیده و در مقابل عقاید مخالف بدفاع از پایگاه اعتقادی خویش — اگر چه ناآگاهانه ولی با صداقت و صمیمیتی که ناشی از ایمان به‌اسلام بوده است — پرداخته، لیکن با کمال تأسف آنچه را که در کشور خود لمس نموده و مینماید، وجود اختلاف طبقاتی دهشتناک و مشهودی است که همواره در این مرزو بوم بوده و هست.

بقیه در صفحه ۳

## اساسنامه شوراهای کارخانه تراکتورسازی تبریز

متن زیر خلاصه گزارشی است از کارخانه‌های ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز که بدست ما رسیده.

وجود مناسبات استثماری حاکم، بر کارگران و کارمندان، ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز توسط رژیم منحط پهلوی و سلطه‌گران بیگانه با اوج‌گیری مبارزات خلق قهرمان ایران به رهبری امام خمینی و برخورد انقلابی کارگران در حال دگرگون‌شدن است.

کارگران مؤمن به انقلاب برای ایجاد تغییرات بنیانی در شرایط کار و تولید و مناسبات موجود در کارخانه معتقدند که با طرح‌ریزی برنامه‌ای صحیح و ایجاد مدیریتی سالم با شرکت «کارگران تکنسین‌ها و مهندسین» این کارخانجات می‌توانند در جهت عدم وابستگی اقتصادی به‌بیگانه حرکت کرده و بصورت منابع مستقل نقش عمده‌ای را در شکوفائی اقتصاد کشور ایفاء کنند.

کمیته امام با آغاز کار خود در کارخانه اقدام به تشکیل شورای انقلاب اسلامی کارگران نمود و این شورا با تشکیل کمیته‌هائی از قبیل «پاکسازی، مسکن، امور مالی و......»

به حل مشکلات صنفی و سیاسی کارگران در جهت احقاق حقوق عادلانه آنها پرداخته است.

بقیه در صفحه ۵

## تقویم جنگ خاورمیانه

روزنامهٔ لوموند در شماره‌های ۲۲ تا ۲۸ مارس ۱۹۷۹، خلاصه‌ای فهرست‌وار از حوادث مهم مربوط بدرگیریهای خلقهای تحت ستم صهیونیستها را، از زمان تشکیل دولت اسرائیل، منتشر کرده است. ترجمهٔ این مقاله را برای اطلاع خوانندگان از سیر حوادث مهم در این منطقه از جهان منتشر می‌کنیم. بدیهی است که فقط اطلاع از حوادث کافی برای پی‌بردن به‌ریشه‌ها و عوامل ایجادکننده یا بسازدارنده در وقایع تاریخی نمی‌باشد. برای پی‌بردن به‌نقش مخرب و خانمان برانداز امپریالیسم جهانی، و چهرهٔ واقعی صهیونیسم، مطالعه تاریخ برخوردهای توده‌های مستضعف و اسرائیل میتواند نمونهٔ بسیار خوب و آموزنده‌ای باشد. اینک ترجمهٔ مطالب لوموند:

بقیه در صفحه ۲

# دعوت شرکت برای راهپیمائی در صفحه ۶

# درود برامام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما

بقیه از صفحه اول

## سرمقاله

مردم بطور جدّی بحساب نیامده‌اند ـ در هر دو مردم وسیله‌اند امّا در هر جا تحت عنوان و پوشش و با کیفیت خاص خود. در ممالک سرمایه‌داری غرب، مردم بازیچه قدرتهای اقتصادی و سیاسی هستند که توسط وسایل تبلیغاتی و سازمانهای حزبی و سندیکائی ـ بهر سو که منافع آنها اقتضا کرد کشانده میشوند و بهر کس و هر چه آنها خواستند رأی میدهند. در تظاهراتی که آنان سازمان میدهند شرکت جسته و شعارهایی که از بلندگوهای احزاب و رهبران خارج میشود، تکرار می‌کنند.

در ممالک باصطلاح سوسیالیستی مردم تابع بی‌اراده و محکوم رأی و تصمیم قدرت و حزب حاکم‌اند. آنها ناچارند حقایق را فقط از دهان رهبران حزب و دولت و از زبان گویندگان رادیو و تلویزیون دولتی بشنوند و در جراید رسمی و نیمه رسمی بخوانند و بر طبق رأی و نظر و فرمان آنها قضاوت کنند، عمل نمایند و رأی بدهند ـ رهبران دولت و احزاب بخود حق مطلق میدهند که از جانب مردم فکر کنند و هر چه خود تشخیص میدهند و میخواهند به‌عنوان اراده و رأی و خواست مردم بر آنها تحمیل کنند.

در غرب ماهرانه و بی‌آنکه مردم خود بفهمند، به‌تبعیت کورکورانه کشیده میشوند و در شرق کمونیستی غالباً بی‌پرده، مردم به‌فرمانبرداری مطلق دعوت میشوند ـ در اینجا کوچکترین امکان برای قضاوت و عمل آزاد وجود ندارد ـ آنها ناچارند دستورات رسمی و دولتی را بی‌چون و چرا به‌عنوان عقیده قلبی خود بکار برند مثلاً از محمد رضا شاه جنایتکار در معابر تجلیل کنند، دسته گل تقدیمش نمایند و برایش هورا بکشند زیرا خواست دولت و رهبران حزب چنین است و پس از سقوط شاه بر طبق دستور دولت ـ نسبت به‌او ابراز تنفر کنند. همه چیز دستوری است و دموکراسی خلق معنایی جز تبعیت کورکورانه از معدود رهبران قدرتمند ندارد چنانکه در غرب دموکراسی مفهومی جز پیروی از مصالح صاحبان مؤسسات تولیدی و رهبران سیاسی و نظامی وابسته ندارد.

### مردم منشأ قدرت‌اند.

هر روز و مکرّر با این گفته برخورد می‌کنیم که انقلاب را مردم به‌پیروزی رساندند، فداکاری و جانبازی مردم و بخصوص مستضعفان و خونهائی که آنها هدیه انقلاب کردند و پایداری و مقاومت آنان عامل اصلی شکست استبداد شاهی بود.

در حقانیت این گفته تردیدی نیست و کسی را ندیده‌ایم که سهم را در این انقلاب بزرگ دست کم گیرد یا بحساب نیاورد، همه معتقدند کاری که غیر ممکن می‌نمود بوسیله قدرت مردم ممکن شد و انقلابی که بی‌شباهت بمعجزه نبود بهمت و اراده آنان پیروز شد. همه اذعان دارند که ابتکارات توده در مبارزه، هشیاری و آگاهی او در برابر توطئه‌های فریبکارانه دشمن و سازش ناپذیری در برابر پیشنهادات گول زننده خصم و اتحاد و همدلی و ایمان پاک و فداکاری و از جان گذشتگی، صفا و صداقت و تقوی انقلابی آنان و قاطعیت و هوشیاری و عدم سازش امام خمینی عوامل موفقیت بودند. معترف هستند که در این انقلاب توده خود پیشتاز و پیشگام شد. رهبران سنتی یا از صحنه خارج بودند و یا لنگ لنگان و با تردید از دنبال می‌آمدند. رهبران که بیشتر تماشا می‌کردند و حیرت زده و با ناباوری به‌حماسه آفرینی‌های خلق می‌نگریستند خسته از مبارزه و مقاومتی که نکرده بودند و مأیوس از پیروزی که مردم در دو قدمی خویش می‌دیدند، از وخامت اوضاع و بالا گرفتن درگیریها در هراس بودند و طلب آرامش می‌نمودند و مردم را به‌نظم و رعایت اعتدال می‌خواندند. اگر انقلاب پیروز شد و دیو استبداد و پایگاه اصلی امپریالیسم در هم شکست برای این بود که مردم به‌نصیحت قشرهای برگزیده گوش فرا ندادند و با آگاهی و ایمان و شجاعت و شهامت با رهنمودها و رهبری امام به‌پیش تاختند.

### آیا وظیفه مردم فقط تقسیم و تحویل دادن قدرت است؟

متأسفانه چنانکه تا کنون دائماً اتفاق می‌افتد با همه تجلیل و تکریمی که در دوران معاصر از صلاحیت و شایستگی و قدرت و حقوق مردم می‌شود قشرهای برگزیده و روشنفکران حتی بعضی انقلابیون با مردم گر چه با تفاوتهائی امّا در اصل همان گونه برخورد می‌کنند که پیشینیان می‌کردند.

مردم بزرگترین موانع را از پیش پای برداشته‌اند و هوشیارانه این روشها را در مبارزه برگزیده‌اند، امّا اکنون که پیروزی بچنگ آمده وظیفه‌ای جز این ندارند که میوه فتح را تحویل دهند و قدرت را بدوستداران حقیقی آن! واگذارند و خود مثل بچه‌های آدم و مؤدب در خانه‌هایشان بنشینند و گوش بفرمان باقی بمانند.

از این پس قشرهای برگزیده‌اند که باید کار را ادامه دهند. آنها باید آنچه را مردم خراب کرده‌اند نوسازی کنند. اگر این کار شدنی بود معذورشان می‌داشتیم ولی بزودی معلوم می‌شود که بدون مردم کاری از پیش نمی‌رود بلی اگر هدف تنها حکومت کردن بر مملکت آبادی باشد چنانکه طاغوتها و مشتاقان قدرت و ثروت می‌کردند اشکالی پیش نمی‌آمد ولی مملکتی باقی نگذاشته‌اند که بشود بر آن حکم راند. همه چیز باید از نو ساخته شود کسانی که بنام انقلاب قدرت را در دست دارند در برابر کوه عظیم مشکلات دو انتخاب بیشتر ندارند.

با تسلیم شدن تدریجی در برابر نیروهای باز دارنده و یا جنگیدن برای تغییر دادن. اگر قشرهای برگزیده می‌توانستند خود به‌تنهائی بر نیروهای اهریمنی و ضد مردمی پیروز شوند امروز مجبور نبودند مردم را عامل اصلی پیروزی بخوانند و دیدیم که خود موفق به‌انجام آن کار عظیم نشدند، و طبیعی است که امروز هم غلبه بر اینهمه موانع سخت و دشمنان بسیار بدون شرکت مستقیم مردم ممکن نیست. اگر در کلام خود صادق هستیم و قدرت را از آن مردم می‌دانیم بجای بی‌اعتنائی و غفلت از نیروی آنها اجازه دهیم تا با همه توان و خلاقیت خود همانند گذشته کارهائی انجام دهند که بی‌شباهت بمعجزه نخواهد بود.

### به‌مردم اعتماد کنید

آزاد کردن نیروی خلاق مردم فقط یک راه دارد و آن آزاد کردن و اعتماد کردن به‌آنهاست.

کسانی چون طاهر احمدزاده، استاندار فعلی خراسان که توحیدی می‌اندیشند و خصلت و عمل مردمی دارند و صادقانه بمردم اعتماد و به‌نیرو و استعداد و قدرت خلاقّشان باور و ایمان دارند، اندکند ـ شاید او در موقعیت فعلی نتواند کار چشمگیری انجام دهد. اما اگر طرز فکر او در رابطه با مردم حاکم باشد آنوقت خیلی کارها انجام میگرفت.

مسئولین دولتی دائماً مشکلات را که واقعیت هم دارند، بهانه کُندی، محافظه کاری و درهم ریختگی کارها قلمداد میکنند. هر چه از خرابی‌ها، نابسامانیها، ضعفها بگویند قبول داریم! و قبول داریم که شما نمی‌توانید با سرعت بر آنها غلبه کنید، قبول داریم که شما نمی‌توانید، بنیادها را دست بزنید، زیرا می‌ترسید همه چیز در هم فرو ریزد و شیرازه امور از هم بپاشد. شما نمی‌توانید. اما معتقدیم مردمی می‌توانند! مردم قادرند ضد انقلاب را شکست دهند. چنانکه تا کنون علیرغم موانعی که دستگاههای موجود در راهشان ایجاد کرده‌اند، ضربات کاری به‌آن زده‌اند. کار دادگاههای انقلاب را یک نمونه برجسته از کار توده‌ای می‌دانیم.

مردم بخوبی قادرند خلاء ناشی از حذف مزدوران رژیم، نوکران استعمار و سرمایه‌داران کلاشان و دزدان و قطع ایادی آنها را از امور سیاسی ـ اقتصادی و اداری پر کنند، مردم بخوبی قادرند عقب ماندگی اقتصادی را بسرعت جبران کنند و قادرند محرومیتها را تحمل کنند.

کمبود نفت و بنزین و نان و آذوقه را قشرهای برگزیده بسختی تحمل کردند ولی این مردم بودند که بیقراری و عدم تحمل آنها زهر خند زدند و از تحمل آنهمه سختی و رنج خم بابرو نیاوردند. آقای تمخست، وزیر مردم اضافه حقوق اعطائیه شریف امامی را نمی‌خواهند.

مردم حتی بخشش هزینه آب و برق و تلفن را نمی‌خواهند. مردم حاضرند کمربندها را باز هم سفت‌تر کنند. زیرا هرگز آنرا شل نکرده بودند، مردمی که براحتی کشته میدادند، خون میدادند، امروز کارهای کوچکتر از آنرا به‌آسانی انجام خواهند داد.

مردم حاضرند بجای ۸ ساعت در روز ۱۶ ساعت کار کنند. حاضرند بجای سه وعده دو وعده غذا بخورند. حاضرند در هفته یک یا دو وعده بیشتر گوشت نخورند، حاضرند برق و آب کمتری مصرف کنند.

حاضرند حلقه‌های نامزدیشان را هم بفروشند و برای احیای اقتصاد کشور سرمایه‌گذاری کنند. برای مردم انجام این کارها دشوار نیست زیرا همه عمری جز به‌این نحو زندگی نکرده‌اند. بکار کردن، کم خوردن و صرفه‌جوئی و تحمل محرومیت و فداکاری، و تعاون و همدردی و اشتراک و همکاری عادت دارند.

### کدام مردم!

کسانیکه نق می‌زنند، اضافه حقوق و مزایا و فراوانی گوشت و مرغ و ماهی و تفریح و آزادی و لذت می‌خواهند و می‌جویند «مردم» نیستند.

اگر مخاطب شما این گروهند، پس شکست شما قطعی است و ضعف شما قابل توجیه است اینها نبودند که مبارزه کردند و فداکاری کردند و شهید دادند و اینها در این مرحله، انقلاب را علیه دشمنان رنگارنگش یاری نخواهند کرد.

نمونه‌های مردم در ادارات کسانی هستند که بدفتر امت آمدند و عتراض بدولت که چرا اضافه حقوق میدهد. ما آماده‌ایم علیه این تصمیم تحصن اختیار کنیم. نمونه‌اش زن کارمندیست که هشت هزار تومان اضافه بر هزینه‌اش را ناشناس پس میدهد.

نمونه‌های مردم دهها هزار جوان دانشجو و غیر دانشجوی مبارزی هستند که حاضرند به بیابانها و روستاها و محله‌های فقیر نشین شهرها بروند و شب و روز بی‌هیچ چشمداشتی به‌اضافه کاری و مزایا و رتبه و درجه‌ای کار کنند، صمیمانه بی‌ریا، و جوانهای فداکار و مجاهدیکه اسلحه در کف حاضرند شب و روز با جان خود از انقلاب پاسداری کنند.

غلبه بر بحران اقتصادی بر نیروهای ارتجاعی بر ضد انقلاب و اقدامات فرصت طلبانه، توسط مردم میسّر است.

اگر ظرفیت کار انقلابی ندارید، اگر در بینش اجتماعی شما مردم جایگاه اصیل خودشان را فاقدند و اگر خود را در برابر قدرت ارتجاع سرمایه‌داران و سود جویان و فرصت طلبان ضعیف می‌بینند. کار را بدست مردم و نیروهای پیشرو عناصر انقلابی بسپارید! پیش از این فرصت طلائی را که برای انجام یک «کار بزرگ» فراهم آمده تلف نکنید.

ما احساس می‌کنیم که امام هم همانند مردم از این تردید و کندی، از این ضعف و بی عملی به‌تنگ آمده‌اند ـ امام همانند مردم بی‌صبرانه منتظر اقدامات و تغییرات انقلابی است.

امام همانند مردم انتظار دارند حاکمیت و مالکیت به «ناس» داده شود و از مستکبران خلع‌ید شود.

حتی اگر مبارزه علیه مستکبران (صاحبان قدرت و زور و سرمایه و زر و پاسداران مذاهب و مسلکها تزویر) از مبارزه علیه استبداد محمد رضا شاهی و قدرت امپریالیسم دشوارتر باشد باز هم مردم قادرند از پس آنها برآیند و مملکت را با همه خرابیهایش باز سازی کنند.

بشرطی که به‌آنها اعتماد شود ـ نیروهای خلاق آنها از قیود و از درگیریهای نابجا ـ رقابتها ـ قدرت طلبیها ـ سود جوئی‌ها و بازیهای سیاسی و از دامهای خدعه و ریا و تزویر ـ آزاد گردد و درون شوراهای اسلامی متبلور و متمرکز شود در این صورت هر کاری شدنی است.

آری اگر مردم، مردم واقعی رهبری و پیشتازی را بعهده بگیرند.

امّا با «مردم» هم حرف داریم زیرا اگر مردم مسئولیتهای تاریخی‌شان را درک نکرده آزادی و قدرت و ابتکار عمل را بدست نگیرند و همانند گذشته در پشت سر امام و پیشوای خود در مبارزه با استثمار، استعمار، ارتجاع و سرمایه‌داران غارتگر و دلال صفت، پیشتاز نباشند ـ تحقق هدفهای انقلاب بعید بنظر میرسد

مردم چگونه و با چه خصلتهائی قادر بایفای این نقش تاریخی هستند!

اجازه دهید بعداً در این باره صحبت کنیم.

***

بقیه از صفحه ۱

## تقویم جنگ خاورمیانه

### سی‌سال درگیری

سال ۱۹۴۸ (۲۶ و ۱۳۲۷)

ـ ۱۴ مه ـ بن گوریون تشکیل دولت اسرائیل را اعلام می‌دارد.

ـ ۱۵ مه ـ بدنبال تصمیم دولتهای عرب، در ۱۷ دسامبر ۱۹۴۸، ارتش پنج کشور عربی (مصر ـ سوریه ـ عراق ـ اردن ـ لبنان) بسرزمینهایی که در پی رأی سازمان ملل بدولت اسرائیل تسلیم شده بود حمله می‌کنند. پس از بدست آوردن چند موفقیت جزئی، بوسیلهٔ نیروی مقاومت اسرائیل*، از پیشروی آنها جلوگیری میشود. در خاتمه، یک صلح موقت بر دول عرب تحمیل و ارتش عرب مجبور به‌عقب‌نشینی می‌گردد.

۱۹۴۹

۲۴ فوریه ـ یک قرارداد متارکه، بین اسرائیل و مصر در رودس بامضاء میرسد. دولتهای لبنان، اردن، سوریه نیز به‌ترتیب در ۲۳ مارس، ۳ آوریل و ۲۰ ژوئیه، یکی پس از دیگری، قراردادهای مشابهی را امضاء می‌کنند.

۱۹۵۶ جنگ در سینا

۲۹ اکتبر ـ شروع جنگ سینا. در این جنگ ارتش اسرائیل با پشتیبانی نیروهای فرانسوی و انگلیسی، به‌کانال سوئز دست یافت. دولت مصر قبلاً این کانال را ملی اعلام کرده بود و همین امر محرک دخالت پاریس و لندن در مناقشهٔ اعراب و اسرائیل بود.**

۱۲ نوامبر ـ قاهره استقرار یک نیروی سازمان ملل (در متن پلیس بین‌المللی نوشته شده بود ـ به‌نظر میرسد که منظور نیروهای سازمان ملل باشد. چون پلیس بین‌الملل اصلاً داستان جدایی دارد) در سرزمین مصر را، بشرط رعایت حق حاکمیت دولت مصر، می‌پذیرد. اسرائیل، پس از خروج نیروهای فرانسوی و انگلیسی از مناطق اشغالی، منطقه‌ای را در نزدیکی العریش و غزه، و نواری به‌عرض ۲۵ کیلومتر را در امتداد کنارهٔ شرقی سینا تا شرم‌الشیخ، هنوز در اشغال دارد.

۱۹۵۷

۲۸ فوریه ـ اسرائیل زیر فشار ایالات متحده، تخلیه مواضعی را که در جریان جنگ ۱۹۵۶ اشغال کرده است، قبول می‌کند.

۸ مارس ـ خروج اسرائیل از سینا و غزه پایان می‌یابد. البته پس از بدست آوردن تضمین عبور آزادکشتی‌هائیکه مقصدشان اسرائیل است در تنگهٔ تیران. نیروهای سازمان ملل در غزه و شرم‌الشیخ مستقر میشوند.

۱۹۶۷ جنگ ۶ روزه

۵ ژوئن ـ اسرائیل جنگ «۶ روزه» را براه می‌اندازد. او با شکست دادن ارتشهای عرب در یک یورش برق‌آسا، سرزمینهای وسیع از جمله سینا ـ غرب رود اردن ـ شهر قدیمی بیت‌المقدس و نوار غزه و بلندیهای جولان در سوریه را اشغال مینماید.

۱۷ ژوئن ـ آباابان وزیر امور خارجه اسرائیل اظهار میدارد که اسرائیل هرگز بمواضع قبل از جنگ (۱۹۶۷) برنخواهد گشت.

۲۸ ژوئن ـ پارلمان اسرائیل به‌الحاق بیت‌المقدس به‌اسرائیل رأی می‌دهد.

۲۸ اوت ـ «نفی سه‌گانه» خرطوم ـ رهبران هشت دولت عربی و نمایندگان پنج کشور دیگر عرب، به‌غیر از سوریه، اعلام میدارند که هرگز:

ـ دولت اسرائیل را برسمیت نخواهند شناخت

ـ با این دولت قرارداد نخواهند بست

ـ با دولت اسرائیل مذاکره نخواهند کرد.

۲۲ نوامبر ـ اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد، به‌آقای گونارپارینگ مأموریت داد که از ۲۲ نوامبر رأی ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد را، مبنی بر حل مسالمت‌آمیز مناقشات خاورمیانه، به‌اجرا درآورد.

۱۹۶۸

۱۰ اکتبر ـ مصر یک جدول زمانی برای اجرای مرحله بمرحلهٔ رأی ۲۲ نوامبر شورای امنیت مطرح می‌کند.

۱۹۶۹

۲۰ ژانویه ـ پرزیدنت ناصر حق سازمانهای فلسطینی را در مورد رد کردن راه‌حل ۲۴۲ سازمان ملل متحد برسمیت میشناسد و تکرار میکند که او مصمم به‌اجرای آن میباشد.

۹ دسامبر ـ راجرز، معاون رئیس جمهور آمریکا، اعلام می‌کند که واشنگتن طرح جدیدی برای صلح بین مصر و اسرائیل، و اسرائیل و اردن، تهیه کرده است.

۲۲ دسامبر ـ پیشنهاد راجرز، قویاً از طرف اسرائیل رد میشود. قاهره نیز آنرا ناقص و در جهت منافع اسرائیل تلقی کرده، رد می‌کند.

۱۹۷۰

۲۵ ژوئن ـ ویلیام راجرز ابتکار سیاسی جدید آمریکا را بمنظور «بر قراری یک صلح واقعی و درازمدت در منطقه» اعلام می‌کند. بدون آنکه محتوای آن را فاش کند. «طرح راجرز» قبلاً، در ۱۹ ژوئن، تسلیم دولتهای مصر و اسرائیل شده بود.

۲۳ ژوئیه ـ پرزیدنت جمال عبدالناصر موافقت خود را با «طرح راجرز» اعلام می‌دارد. پادشاه اردن چند روز بعد، نظر دولت مصر را در پذیرش این طرح، تأیید می‌کند.

۳۱ ژوئیه ـ دولت اسرائیل تصمیم می‌گیرد به‌جرگهٔ موافقان «طرح راجرز» بپیوندد. فاش می‌گردد که در «طرح راجرز» یک آتش بس ۹۰ روزه بین مصر و اسرائیل پیش‌بینی شده است.

۲۸ دسامبر ـ عبدالناصر رئیس جمهوری مصر فوت می‌کند.

۷ اکتبر ـ یکی از وزرای کابینهٔ اسرائیل، که رئیس کمیتهٔ بهره‌برداری از اراضی غزه نیز هست، اعلام می‌کند که غزه هرگز از اسرائیل جدا نخواهد شد.

۱۹۷۱

اول فوریه ـ در اثر یک اقدام مسلحانه در غزه، ۶۱ نفر زخمی میشوند. سادات ـ جانشین ناصر ـ برای اولین بار در نامه‌ای که بیارینگ، میانجی صلح سازمان ملل میفرستد، آمادگی خود را برای امضای یک قرارداد صلح با اسرائیل اعلام می‌دارد.

۲۳ ژوئیه ـ نطق پرزیدنت سادات بمناسبت سالگرد انقلاب مصر. سادات بار دیگر تأکید می‌کند که سال ۱۹۷۱، «سال سرنوشت» در جنگ اعراب و اسرائیل خواهد بود حتی اگر بقیمت دادن «یک میلیون شهید» برای مصر تمام شود.

۲۰ نوامبر ـ سادات اظهار می‌کند که: «زمان رویاروئی قهرآمیز فرا رسیده، چون بهیچ وجه امیدی برای رسیدن به‌یک راه حل مسالمت‌آمیز وجود ندارد.

۲ دسامبر ـ سادات در مصاحبه با خبرنگاران مصری، آمادگی خود را برای مذاکرهٔ مستقیم با اسرائیل، بمنظور امضای یک پیمان صلح دائمی، اعلام میدارد. بشرط آنکه اسرائیل عقب‌نشینی بمرزهای بین‌المللی ۱۹۶۷ را بپذیرد.

۱۹۷۲

۱۳ ژانویه ـ سادات در یک نطق رادیو تلویزیونی بشدت به‌آمریکا، بدلیل پشتیبانی بی‌قید و شرطش از اسرائیل، حمله می‌کند. و نتیجه می‌گیرد که این روش آمریکا جنگ را در خاورمیانه اجتناب‌ناپذیر کرده است. سادات در این سخنرانی با وجود لحن تندی که به‌کار میبرد، راه حل مسالمت‌آمیز بر اساس عقب‌نشینی تا مرزهای ۱۹۶۷ را نیز، رد نمی‌کند.

۱۸ ژوئیه ـ سادات از شوروی میخواهد که مستشاران نظامی خود را از مصر فرا خواند.

۱۹۷۳

اول آوریل ـ سادات در مصاحبه با مجلهٔ نیوزویک اظهار میدارد که: «هر دری را که من باز کردم، اسرائیل به‌کمک آمریکا، به‌شدت به‌رویم بسته. و دلسرد از نتایج تلاشهای حافظ اسماعیل ـ مشاور ویژه‌اش در واشنگتن، اعلام میدارد: از سر گرفتن جنگ با اسرائیل، دیگر اجتناب‌ناپذیر است.»

۶ اکتبر ـ جنگ یوم‌کیپور. مصر و سوریه غافلگیرانه، به‌اسرائیل، که هنوز در رؤیاهای گذشته به‌سر میبرد، حمله می‌کنند.

۱۶ اکتبر ـ پرزیدنت سادات، یک طرح صلح پنج ماده‌ای را به‌نیکسون پیشنهاد می‌کند. سادات همچنین در یک سخنرانی عمومی، پیشنهاد می‌کند که یک کنفرانس صلح تشکیل شود.

۲۲ اکتبر ـ اسرائیل، و سپس مصر، آتش بس را میپذیرند.

۲۱ ـ ۲۲ دسامبر ـ تاریخ گشایش کنفرانس صلح ژنو برای مناقشات خاور نزدیک. این کنفرانس به‌مدت نامعلوم به‌تعویق می‌افتد.

۱۹۷۴

۱۸ ژانویه ـ امضای قرارداد اسرائیل ـ مصر. عقب‌نشینی معروف به «کیلومتر ۱۰۱» این قرارداد پیش‌بینی می‌کند که یک نیروی صلح سازمان ملل در صحرای سینا مستقر شود. تعداد سربازان نیروی صلح ۲۰۰۰ نفر و مدت استقرار آنها ۶ ماه، از تاریخ ۲۴ آوریل است.

۱۹۷۵

اول سپتامبر ـ دومین موافقت‌نامهٔ عقب‌نشینی اسرائیل ـ مصر بامضا میرسد.

۱۹۷۷

۱۸ نوامبر ـ «ملاقات تاریخی» پرزیدنت سادات در بیت‌المقدس

۱۹۷۸

۱۸ ـ ۱۹ ژوئیه ـ سایرس‌ونس، موشه‌دایان و کمیل کنفرانسی در قصر لیدز تشکیل می‌دهند.

۶ ـ ۱۷ سپتامبر ـ کنفرانس کمپ دیوید بین رؤسای جمهوری آمریکا و مصر و نخست‌وزیر اسرائیل تشکیل میشود.

۱۷ سپتامبر ـ پیش‌نویس قرارداد کمپ‌دیوید به‌امضا میرسد. این قرارداد شامل یک قرارداد صلح شش‌ماهه است.

۲۷ اکتبر ـ سادات و بگین جایزهٔ صلح نوبل را دریافت می‌کنند.

۱۹۷۹

۱۳ مارس ـ در پایان نمایش «مأموریت صلح» در خاور نزدیک، پرزیدنت کارتر در قاهره اعلام می‌کند که مصر و اسرائیل بر روی قرارداد کمپ‌دیوید به‌تفاهم رسیده‌اند.

۲۶ مارس ـ قرارداد واشنگتن بامضاء رسید.

پایان

* بعلت خیانت رهبران مرتجع کشورهای عربی. مترجم

** لازم بتذکر است که اسرائیل بعنوان ژاندارم کشورهای امپریالیستی می‌باشد.

# تا برقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

اُمت

## بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

بقیه از صفحه ۱

بر طبق نگرش دوم ـ مردم نه فقط علیه استبداد و استعمار که در عین حال برای تغییر کلی نظام و استقرار یک نظام اسلامی مبارزه کردند و انقلاب از ابتدا دارای ایدئولوژی بوده است. مردم در طول مبارزه خود بارها بطُرق مختلف اسلام را به‌عنوان مکتب فکری سیاسی انقلاب معرفی و از آن حمایت کرده‌اند و شعار استقرار حکومت اسلامی همیشه همراه با نفی نظام استبدادی اعلام می‌شده است. بعداً هم با اکثریت مطلق ۹۸ درصد به‌اسلامی بودن نظام مملکتی رای دادند و خطوط اساسی ایدئولوژی اسلامی از ماهها قبل توسط نیروها و عناصر پیشرو جنبش تدوین و توضیح داده شده بود. از این رو ـ انقلاب بعد از پیروزی نمی‌باید تنها به‌زدودن آثار نظام استبدادی و سلطه استعماری اکتفا کند. بلکه باید همه نظام کهنه را درهم بریزد و نظمی نوین بر اساس جهان بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی پایه گذاری کند.

لازمه پیشبرد این هدف آنست که رهبری انقلاب پس از بدست گرفتن قدرت خطوط اصلی برنامه انقلابی خود را در زمینه‌های سیاسی ـ اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی اعلام کند و با تشکیل دادن یک شورای رهبری که مظهر اراده همه خلق مسلمان و پای بند و مومن به‌ایدئولوژی انقلاب است، با قاطعیت تمام و بر طبق یک برنامه‌ریزی مشخص به‌سرکوبی ضد انقلاب و تغییر بنیادهای نظام کهنه بپردازد و در اجرای این برنامه که مورد تایید اکثریت مطلق خلق است هر مانعی را از میان بردارد.

اکنون از مقامات مسئول در مواضع تصمیم گیری و اجرائی شورای انقلاب و دولت سوال می‌کنیم:

شما از کدام دیدگاه به‌انقلاب می‌نگرید. و برنامه شما بطور روشن و صریح چیست؟

اگر انقلاب دموکراتیک است پس باید هر گونه محدودیت در برابر آزادیهای فردی و اجتماعی در چهار چوب قانون لغو شود بهمه نیروها، احزاب با عقاید مختلف اجازه دهید آزادانه فعالیت کنند و نظر دهند در مجالس شورایی و اجرائی و تصمیم گیری و از جمله در شورای انقلاب و در دولت شرکت جویند ـ در این رابطه هیچ نوع انحصار گرائی و تحمیل عقیده و نظر و اعمال محدودیت جز برای ضد انقلاب (توطئه گران وابسته به‌رژیم سابق و استعمار) قابل قبول نیست.

اگر انقلاب مکتبی است و هدف تغییر تمامی نظام گذشته و استقرار یک نظام اسلامی است پس باید مشخص کنید که بر طبق ایدئولوژی اسلامی چه تغییراتی باید در نظام اقتصادی ـ اجتماعی و سیاسی و فرهنگ جامعه رخ دهد و برنامه شما برای بازسازی جامعه انقلابی اسلامی چیست؟ و بلافاصله علاوه بر زدودن آثار استبداد و نابودی عناصر وابسته به‌رژیم سابق و عمال استعمار و امپریالیسم همراه با آن تغییرات اساسی در جهت تغییر ساخت سیاسی ـ اقتصادی و فرهنگی کشور بعمل آورید ـ دست متجاوزان به‌حقوق و اموال مردم را قطع و به‌روابط استثمار در مناسبات اقتصادی پایان دهید به‌تسلط سرمایه‌داران وابسته و غیر وابسته بر اقتصاد کشور خاتمه داده ـ چنانکه موازین اسلامی ایجاب می‌کند حاکمیت و مالکیت بر کشور و تولیدات و منابع و روابط را بمردم باز گردانید.

برنامه خود را برای نفی طبقات استثمارگر و رفع تسلط استثمارگران و سرمایه‌داران، اعمال حق حاکمیت خلق مسلمان در تمام زمینه‌های تصمیم گیری و اجرائی (شوراها) و محو فرهنگ ضد توحیدی گذشته از همه شئون زندگی اجتماعی ـ و اخلاقی اعلام و سپس با قاطعیت تمام برای پیشبرد آن دست به‌عمل بزنید.

ما به‌صراحت اعلام می‌کنیم که در حال حاضر سیاستهای شورای انقلاب و دولت در زمینه‌های فوق کاملا مبهم است ـ خط مشخص و صریحی اعلام نشده است و چند گانگی در فکر سیستم رهبری و اجرائی بچشم می‌خورد و نابسامانیهای موجود عمدتاً از این وضعیّت مبهم ناشی می‌شود.

### مکتبی بودن باید در عمل ثابت شود

مکتبی بودن یک انقلاب در عمل ثابت می‌شود. اگر برنامه شورای انقلاب و دولت منطبق با موازین نظام توحیدی نباشد و اگر در عمل تغییرات قاطع و انقلابی انجام نگیرد، حرف زدن از اینکه انقلاب اسلامی است نتیجه‌ای جز ضربه زدن بر اعتبار ایدئولوژی اسلامی دربر ندارد.

اگر انقلاب مکتبی و اسلامی است در این صورت چرا عناصر و نیروهای ارتجاعی (استثمارگران، سودجویان، رباخواران ـ متجاوزان به‌حقوق و اموال مردم ـ مفسدین ـ مدافعان اسلام مسخ شده فرصت طلبان مذهبی و غیر مذهبی و ...) در همه جا نفوذ دارند و دست در کارند. اگر انقلاب مکتبی است، چرا مناسبات اقتصادی غیر توحیدی را تغییر نمی‌دهید؟ چرا بسیاری افراد غیر انقلابی و غیر مکتبی را در پستهای حساس گمارده‌اید ـ و چرا در حالیکه از موضع انقلاب و مکتب (بطور اصلیش) عمل نمی‌شود انتظار دارید وحدت بین مردم محفوظ بماند. و چگونه می‌خواهید به‌بهانه جلوگیری از تفرقه و نفاق جلوی فعالیت و آزادی عمل این یا آن جریان فکری و اجتماعی را بگیرید؟ در حالیکه تضادهای اساسی نظام گذشته را حل نکرده‌اید چگونه می‌توانید با قاطعیت جلوی هر جریان و اقدام فرصت طلبانه را سد کنید؟

اگر قادر به‌حل تضادهای بنیادی بین مردم و نظام گذشته نیستید در این صورت ناچار باید بهمه آزادی بدهید و دموکراتیک بودن انقلاب را بپذیرید اگر مدعی مکتبی بودن آن هستید باید با قاطعیت و بر پایه مکتب تضادها را حل کنید. در این صورت در هر قدم علیه دشمن و یا وابستگان به‌رژیم سابق احیاناً فرصت طلبها، همه خلق و همه نیروهای انقلابی و مبارزان صدیق در کنار و پشت سر شما خواهند بود و اقدامات شما را تأیید خواهند کرد در این صورت کسی جز سود جویان، مفسدین، سرمایه‌داران، نوکران رژیم گذشته و عمال امپریالیسم و فرصت‌طلبان از آزادی بی‌بند و بار دفاع نخواهند کرد. همه انقلابات دوران معاصر که مکتبی بوده‌اند جز راهی که نشان دادیم نه پیمودند و اگر جز آن کردند شکست خوردند. پس اگر مدعی مکتبی بودن انقلاب هستید باید در عمل به‌اثبات برسانید.

اقدامات مثبت و مؤثری که تا کنون شده قابل ستایش است: فعالیت دادگاههای انقلاب در صدر این اقدامات قرار دارد و در جهت انقلاب و حفظ روحیه انقلابی بسیار مؤثر بوده است در جهت استعمارزدائی گامها ئی برداشته شده است. و شیوه‌های استبدادی و یا فساد مبارزه مؤثر شد ولکن این اقدامات برای نشان دادن مکتبی انقلاب کافی نیستند. تضادهای بنیادی پا بر جا مانده‌اند.

### نظر و موضع ما چیست؟

معتقدیم مردم علیه استبداد ـ استعمار و برای استقرار حکومت و نظام اسلامی انقلاب کردند. معتقدیم استقرار نظام اسلامی به‌معنای نفی همه تضادهای اجتماعی ـ اقتصادی رژیم گذشته و محو کامل مناسبات استثماری استبدادی و سلطه استعماری است. معتقدیم که نوکران و وابستگان رژیم سابق ـ عمال امپریالیسم مرتجعین (طرفداران بنیادهای نظام گذشته و تفکر کهنه و غیر اصیل مذهبی) و هم چنین فرصت طلبانی که تنها در اندیشه کسب قدرت و یا حفظ موقعیتهای ناروای گذشته هستند با استقرار یک نظام اصیل اسلامی مخالفند. معتقدیم که اکثریت مطلق مردم با استقرار یک نظام انقلابی اسلامی موافق‌اند و از یک رهبری مکتبی و انقلابی حمایت قاطع می‌کنند.

ما نسبت به‌ادامه وضع سابق در زمینه اقتصاد ـ روابط اجتماعی و فرهنگی هشدار می‌دهیم ـ بدست گرفتن شعار اسلام و جمهوری اسلامی به‌تنهایی صف مسلمانان اصیل و انقلابی را از مرتجعین و اهل تزویر و فرصت طلب یا منافق مشخص نمی‌سازد ـ و حتی عمل انقلابی صورت نمی‌گیرد همه طرفدار جمهوری اسلامی خواهند بود. به‌اطراف خود نگاه کنید کسانی که سر در آخور رژیم سابق داشتند یا با معاملات نامشروع و یا استثمار ـ دزدی ـ گران فروشی ـ احتکار ـ رباخواری مقاطعه‌کاری ـ ساختن مستغلات بمخرید و فروش زمین ـ ملک داری ـ دلالی سرمایه داران خارجی ثروتها اندوختند یا در کنج عافیت بزندگی آرامی مشغول بودند یا طرفدار قانون اساسی یا از اسلام مسخ شده ارتجاعی و بیش تشری دفاع می‌کردند و بر ضد رهبری انقلاب و روحانیت مترقی و اسلام زنده علوی تلاش می‌نمودند و یا در لباس روحانیت با رژیم فاسد گذشته زد و بند داشتند و مدافع نظام استثماری و ضد اسلامی پیشین بودند و لباس تبلیغ مذهبی را پوشش برای جلب منافع شخصی قرار می‌دادند، رشوه گیران ـ متجاوزان به‌حقوق مردم ـ دزدان بیت المال، تدریجاً و یا با سرعت مواضع سابق را محکم چسبیده با پرچم دفاع از جمهوری اسلامی در همه جا رخنه می‌کنند و با مراکز تصمیم گیری اجرائی رابطه و مراوده برقرار می‌نمایند و هم اکنون بسیاری از آنها پستهای حساس را در کمیته‌ها، سازمانها و مسئولیتهای مختلف در تهران و شهرستانها اشغال کرده‌اند. همین عناصر و گروهها هستند که بیشترین دشمنی را با مکتب انقلابی اسلام دارند و با این شعار که انقلاب ما انقلاب مستضعفان علیه مستکبران است اگر نه بظاهر که در اصل قویاً مخالفند همین عناصر مانع بزرگ تحقق آرزوهای امام برای استقرار حاکمیت مستضعفان و نظام توحیدی بشمار می‌روند و همین ارتجاع است که کار مبارزه قاطع با امپریالیسم و پایگاههای آنرا دشوار و کند می‌سازند و با طرح مسایل فرعی نیروی انقلاب را از هدف اصلی‌اش که در حال حاضر امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و نظام استعماری و ارتجاع است منحرف ساخته سرگرم درگیریهای تحلیل برنده می‌کنند ما به‌عناصر صادق و مومن به‌انقلاب توحیدی در شورای انقلاب در دولت و در سایر مواضع تصمیم‌گیری و اجرائی و به‌نیروهای انقلابی مسلمان و به‌مردم مبارز و محروم و به‌دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر جوانان و قشرهای پیشرو و مسلمان و همه کسانی که در خود مسئولیتی نسبت به‌سرنوشت انقلاب حس می‌کنند و سهمی در مبارزه انقلاب داشته‌اند نسبت به‌خطر ادامه وضع موجود هشدار می‌دهیم کسانی که بیشتر از منافع فردی و طبقه‌ای خود متاثر هستند تا از اصول اعتقادی اسلام انقلاب را به‌بی‌راهه می‌کشانند بیراهه‌ای که به‌تشدید تضادهای اجتماعی و درگیریهای فکری و مسلکی و سرانجام حفظ بنیادهای گذشته و تسلط ارتجاع و سپس امپریالیسم بر مملکت می‌انجامد. آنچه که اکنون در گوشه و کنار، در استانها، در کارخانجات و مؤسسات تولیدی و اقتصادی ـ در بازار در کوچه و خیابانها در کافه‌ها و کاباره‌ها و سینماها و در جرائد وسائل ارتباط جمعی و در مناسبات بین گروهها و سازمانها و در رفتار و اخلاقیات مردم می‌گذرد نشانه‌های روشنی از وخامت اوضاع در بردارد و از تجزیه و تفرقه نیروهای مردم و عدم انسجام در کارها و در امور اجرائی و رخنه عناصر نامطلوب در امور و دوام فرهنگ فاسد استعماری و سرمایه اندوزی پیشین حکایت می‌کند تنها یک راه باقی است تا انقلاب مکتبی بماند و در این راه پیروز شود و آن وحدت همه عناصر و نیروهای انقلابی و مسلمان در پشت سر یک شورای رهبری انقلاب و زیر نظر امام خمینی بر طبق معیارهای تعیین شده و محور هدفهای اصلی مبارزه قاطع با امپریالیسم و پایگاههای اقتصادی و اجتماعی آن مبارزه با نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی تغییر بنیادی نظام طبقاتی پیشین و استقرار نظام توحیدی در همه شئون اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی کشور است.

با توجه به‌ضعفهای انقلاب که در بیانیه اعلام مواضع بطور مشروح آمده است لازم است با تکیه بر محور قدرت انقلاب (مردم * رهبری واحد انقلابی) ـ باید شورای رهبری انقلاب تجدید سازمان باید شورای رهبری انقلاب تجدید سازمان یابد بو به‌صورت مظهر اراده ۹۸ در صد مردم که خواستار حکومت اسلامی هستند در آمده دور از هر نوع انحصار گرائی ـ تنها بر پایه معیار ـ ایمان به‌جهان بینی توحیدی و ایدئولوژی انقلابی اسلامی و صداقت انقلابی (یعنی عدم وابستگی بمنافع و علایق شخصی ـ گروهی و اغراض خاص غیرتوحیدی) نمایندگان نیروها و عناصر مسلمان و انقلابی و آگاه و از میان همه مردم و از جمله اقوام مختلف ایران در خود جمع کند و بهمه انقلابیون مسلمان بر محور برنامه انقلابی که تدوین و اعلام می‌کند وحدت عمل می‌بخشد. سپس برای اجرای برنامه خود و انجام تغییرات انقلابی و مبارزه با مقاومتهای ضد انقلاب، نیروی خلق را درون شوراها متشکل و متبلور ساخته حاضر در صحنه عمل نگاهدارد ـ و به‌نیروی مردم و از مسیر شوراها و بسیج انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان دلیر و جوان و پیشرو بازسازی سریع و انقلابی کشور را آغاز و دنبال کند و برای قطع وابستگی از امپریالیسم از طریق یک سیاست مستقل اقتصادی و در جهت ایجاد یک اقتصاد خودکفا (با تاکید بر روی احیای کشاورزی و توسعه صنایع مستقل داخلی و وابسته به‌کشاورزی و پی‌ریزی صنایع مادر) اقدام قاطع بعمل آورد.

شرط موفقیت در این برنامه علاوه بر استفاده از نیروی خلق از طریق تبلور قدرت و استعدادهای همه مردم در شوراها، اجرای یک سیاست قاطع انقلابی و بدون ملاحظه علیه هر جریان اجتماعی و فرهنگی است که وحدت انقلابی خلق را بر هم زند و یا در راه پیشبرد هدفهای فوق مانع تراشی کند و یا بخواهد مناسبات پیشین را بصورتی حفظ نماید.

قاطعیت در رهبری و در عمل وقتی بر حق و مؤثر است که از مترقی‌ترین و انقلابی‌ترین موضع اسلام اصیل بمسائل برخورد کنیم و در عمل پیشروتر از هر جریان دیگری تضادهای جامعه را حل کرده در راه استقرار نظام بی‌طبقه توحیدی گام برداریم.

ما احساس می‌کنیم که باید همه توان و نیروی خود را برای پیشبرد هدف فوق به‌کار اندازیم و در این راه دست همه عناصر و نیروهای صادق مسلمان را برای همکاری می‌فشاریم.

**جنبش مسلمانان مبارز**

**۵۸/۲/۲۴**

......

**خواننده عزیز**

**بآدرس جدید نشریه توجه فرمائید**

## اجتهاد انقلابی

بقیه از صفحه ۱

بنابر این یافتن دارویی برای درمان درد کهنه و جانفرسای اختلاف طبقاتی ضرورتی اجتناب ناپذیر میباشد و برای درمان این درد و رفع این نقیصه در رأس برنامه هر مسلمان مسئول، از طرفی بررسی قرآن و نهج‌البلاغه و مطالعه اصول و ضابطه‌های مکتب و سایر کتب اسلامی قرار میگیرد و از سویی دیگر در جریان تعالیم مقلدین بودن ضرورت مییابد. پس از گذار از مراحل فوق‌الذکر و تحلیل گفته‌ها و نوشته‌های صاحبنظران و اسلام شناسانی که راه و رسم مبارزاتی و استناد به‌کتاب (قرآن) و سنت برای اثبات نظراتشان علت ایمان به‌حقانیت مدعایشان در انسان میشود، باین نتیجه میرسیم که:

**اصول و ضابطه‌های تئوریک در اسلام ساختن جامعهٔ بدون طبقهٔ توحیدی را بر اساس قسط تائید و تصدیق میکند** لیکن با کمال حیرت مشاهده میشود که احکام شرعی امضاء شده در عمل نه تنها در جهت دستیابی به‌جامعه بدون طبقه توحیدی نمیباشد، بلکه بعکس جواز انجام و تداوم اعمالی که منجر به‌تائید سرمایه‌دار و سرمایه‌داری (بمعنای اعم کلمه) میشود نیز توشیح شده است!!

با وجود چنین سد غیر قابل نفوذی، رسیدن به‌جامعه بدون طبقه توحیدی غیر ممکن میگردد. اگر چه ناصحین و وعاظ همیشه سرمایه‌دار را از آتش دوزخ بترسانند و سرمایه‌داری را ناپسند بشمارند، پس وقتیکه از یکطرف تئوریها میگویند «پیش بسوی جامعهٔ بدون طبقهٔ توحیدی» و از سویی دیگر مشکل اساسی که ذکر آن گذشت نیز وجود دارد، این شعار برای خلق استحمار شده ایران که فقر فرهنگیش ناشی از دو هزار و پانصد سال سلطه پادشاهان جبار بر اوست قابل درک نمیباشد گر چه رشد آگاهی و شعور سیاسی‌اش اختلاف طبقاتی با سرمایه‌دار و نظام سرمایه‌داری را به‌بارزترین نحو برایش آشکار نماید لیکن چون حکم شرعی! برای استرداد حقش در دست ندارد ناچار باز هم خود را ناگزیر از اطاعت دشمن می‌بیند.

بد نیست برای روشن‌تر شدن مطلب به‌تحلیل مختصری از علت اصلی درد بپردازیم:

..... وجود استبداد و سلطنت مطلق العنان همواره مانع از حضور و آموزش و تجربه سیاسی مردم در اجتماع و در بستر تاریخی‌شان بوده است و علمای دینی هم بمثابه بخشی از متن توده مردم مشمول همین محرومیت بوده‌اند..... سوگمندانه باید گفت که رانده شدن عالمان دینی همچون سایر توده مردم از بستر تاریخ و سیاست اجتماعی در طول چندین قرن تدریجا به‌اینجا کشیده شده که این رانده شدن و کنار زدن از صحنه تبدیل به‌عکس‌العمل گریز و کناره‌گیری از سیاست شده است و این همان واقعیت تلخی است که امام خمینی بارها در سخنرانیها و خطابه‌های روشنفکرانه خویش و مفصلتر از همه در درسهای «ولایت فقیه» شدیدا و دردمندانه روی آن تکیه میکند[1]..... و میگوید:

از پس اجانب و عمالشان بگوش ما (علما) خوانده‌اند که آقا برو سراغ مدرسه و تحصیل! به‌این کارها چکار دارید، این کارها از شما نمیآید. ما هم باورمان آمده که کاری از ما برنمیآید..... مثلا بعضیها را میبینیم که در حوزه‌ها نشسته بگوش یکدیگر میخوانند که این کارها از ما ساخته نیست چکار دارید به‌این کارها ما فقط باید دعا کنیم و مسئله بگوئیم..... شما به‌حوزه‌های علمیه نگاه کنید آثار همین تبلیغات و تلقیات استعماری را مشاهده خواهید کرد افراد مهمل و بیکار و تنبل و بی‌همتی را میبینید که فقط مسئله میگویند و دعا میکنند و کاری جز این از آنها ساخته نیست[2] طرح این مسئله از جانب امام از آن جهت دارای اهمیت اساسی بود که ..... موقعیت اجتماعی عالمان دینی بدلیل انتسابشان بدین در میان مردم سخت محکم و مقبول بوده است ..... و همواره در بحرانهای تاریخی که توده‌های مردم علیه حکومتها شوریده‌اند بتدریج بسراغ عالمان دینی خویش رفته‌اند و رهبری حرکت طبیعتا بدست عالمان دینی افتاده[3]..... و عدم دخالت ایشان در سیاست در سی‌سال گذشته و تا قبل از طرح وظایفشان از جانب امام خود بخود باعث تأخیر در توده‌ای شدن جنبش‌های رهایی بخش، شده بود چنانکه دیدیم وقتی با فتوای امام، بار دیگر اجتهاد عمل کرد، دخالت در سیاست فریضه شد و امام توطئه و رشته‌های چندین ساله استعمار را پنبه نمود رسالت روحانیت مکمل آمادگی انقلابی خلق مظلوم شد و جنبش را گسترش بی‌سابقه داد، بطوریکه عاقبت منجر به‌پیروزی بر استبداد گردید. لیکن تاکید ایدئولوژیکی، که رهبری بر کامل نبودن پیروزی (حضور اقتصادی و سیاسی و ..... امپریالیسم) میکند. بیانگر واقعیت بسیار پر اهمیتی بشرح زیر است:

ضرورت نفی ارزشهای تحمیلی و دگرگون کردن بنیادهای نظام طبقاتی جامعه بمنظور دستیابی به‌پیروزی و تایید و تثبیت انقلابی و مکتبی بودن جنبش ولی چگونه!

بر واضح است که طرح اصل عدم مشروعیت و مقبولیت مالکیت خصوصی بر ابزار تولید جمعی (که متضمن نفی استثمار و سرمایه‌داری است) و عدم مشروعیت و مقبولیت مالکیت خصوصی بر زمین (که تضمین کننده نفی احتکار استثمار و زمین خواریست از طرف اقتصاد دانان و صاحبنظران به‌تنهایی مشکلی را در مرحله کنونی تاریخ این کشور حل نخواهد کرد.

مگر آنکه بار دیگر اصل مترقی اجتهاد همانگونه که کاربرد آن در سیاست، پیشرفتها و پیروزیهایمان را باعث شده است، نقش تاریخی خود را در اقتصاد نیز ایفا نموده و ضامن اجرای حاکمیت مستضعفین در این سرزمین گردد.

اگر اصل مترقی اجتهاد عمل نکند و اجازه باز ستاندن حق غصب شده توده محروم را با تحقق حاکمیت و مالکیت الله مجاز نشمارد مسلم است که مناسبات و قوانین ضد توحیدی موجود مردم را بمرحله‌ای خواهد رساند که خودشان این حق را بدست آورند. حرف زدن کافی نیست اگر روزی صد بار بخلق بگوئیم که حق با تو و نعمتها مال توست باز هم اگر حق وی را در عمل و در صحنه زندگی تحقق نبخشیم از ما قبول نخواهد کرد بدیهی است که مردم را باید از حقوق خدادادی‌شان آگاه ساخت و باطل بودن قوانین و مناسبات کنونی را به‌آنها ثابت نمود. زیرا همانطور که دیدیم وقتی توده به‌ناحق بودن نظام وابسته و تا دندان مسلح سابق پی‌برد و حق را که متضمن نابود نمودن استبداد بود از زبان رهبر خود شنید، بدریغ خون پاکش را در راه وصول بدان نثار نمود. والسلام علی من اتبع الهدی

۱ و ۳) نقل از کتاب جنبش تنباکو

۲) نقل از کتاب ولایت فقیه

۳) مراجعه شود به‌ارزیابی ارزشها چاپ قدیم صفحه ۲۵

* * *

## جنگ سرد

بقیه از صفحه ۱

جستجو کرد. خصلتهایی که بر طبق آن «سود بیشتر» بر بالای قلهٔ سیستم ارزشها قرار می‌گیرد و همهٔ ارزشهای انسانی فدای آن می‌شوند. و عملکردی که هر روز در گوشه‌ای از جهان خلقهای تحت ستم با سلاح خون و اراده به‌ستیزه با آن برمی‌خیزند.

امّا چرا استادیان معلوم‌الحال سرمایه‌داری جهان‌خوار بیکباره طرفدار اجرای «صحیح جریان قضائی» در دادگاهها شده‌اند؟

با توجه به‌نکتهٔ فوق‌الذکر و سئوالاتی که در زیر می‌آیند می‌توان پاسخی برای سئوال فوق یافت. آیا طرحهای مداخله نظامی آمریکا در جمهوری دمنیکن، سایگون، لائوس، کامبوج، ویتنام و... که منجر به‌قتل میلیونها انسان بی‌گناه و آواره شدن عدهٔ بیشتری گشت در همین سنای آمریکا بتصویب نرسید؟ آیا زمانی که ناپالمهای آمریکائی و بمبهای فسفری، گوشت و پوست دهقانان فقیر ویتنامی را بیآتش می‌کشید، سنای آمریکا و این منادیان دمکراتمنش از این وقایع بی‌خبر بودند؟ آیا همین سنای آمریکا به‌استثمار وحشیانه کارگران و ستم مضاعف بر سرخپوستان و سیاه‌پوستان آمریکا جنبهٔ قانونی و شرعی نمی‌دهد؟ آیا سناتور جاکوب‌جاویتس که از طرفداران پروپاقرص صهیونیسم و همچنین از دوستان قدیمی اشرف پهلوی است از عملکرد دادگاههای نظامی که در زمان رژیم پیشین پاک‌ترین فرزندان خلق را به‌جوخه‌های اعدام می‌سپردند. از شیوه‌های مخوف شکنجه، از ترور، از دستگیریها و ارعاب ساواک و از... هیچگونه خبری نداشت؟

پاسخ کلیهٔ این سئوالها را می‌توان در همان مسئله‌ای که قبلاً ذکر کردیم یافت. یعنی آشنائی با خصلتها و عملکرد امپریالیسم غارتگر. می‌دانیم که مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با پایگاههای داخلی آن نیست؛ می‌دانیم که سرمایه‌داری وابسته عامل ادغام اقتصاد کشورهای تحت سلطه در سیستم سرمایه‌داری جهانی است و همچنین این واقعیت را نیز باید بپذیریم که اعدام سرمایه‌داران وابسته از قبیل القانیان‌ها، اعدام نظام سرمایه‌داری وابسته و روابط استثماری است. پس مفسدین فی‌الارض چه کسانی هستند؟ آیا براستی می‌توان گفت که زالوصفتانی از قبیل القانیانها، خرمها، اخوانها، لاجوردیها و.... که با غارت اموال مردم و بیت‌المال، میلیونها نفر را به‌مرگ تدریجی وادار می‌کردند، کمتر از نصیری‌ها و خسروداد‌ها در کشتار مردم مؤثر بوده‌اند؟ قاتل مستضعفینی که در صفهای طویل بیمارستانهای دولتی جان می‌سپردند. آنان که در زمستانهای سرد بدون پوشش و اجاقی یخ می‌زدند. کودکان فقیری که بر اثر ابتلاء به‌بیماریهای ساده و عدم دسترسی بدارو و پزشک تشکیله پر پر می‌شدند و....

/ در صفحه ۶

# وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست

# کوثر

بسم‌الله الرحمن الرحیم
انّآ اعطیناک الکوثر
فصل لربک و انحر،
انّ شانئک هوالابتر،

انسان در کویر بودنها و داشتنهایش، در آرزوی آب، میلرزد و بـرای آب مـیمیرد. و هر روز از خـاستگاه خورشید تا نشستگاه آن در جستجوی آب نـقش سراب میبیند. سرابی در راهش و سرابی درو جودش. و همه روز پاهای طاول زده و دل چـرکینش را بـر مـاسه‌های نافته کویر میکشاند و سر انگشتان زخمی‌اش زمین را برای قطره‌ای میکاود و قطره‌های درماندگی و ماندگی از جبین میچکاند.

و شبها زبان خشکیده‌اش کابوس دیروز را بـه‌امید فردا دعا میکند و فردا تنها آبشار کوره خورشید است و گاهی سایه کرکسی که به‌انتظار مرگش او را مینگرد. و این بـاری هر روز در صحنه کویر بـادورنمای سـراب امتداد مییابد. تا کرکس از لاشه بیجان این تشنه آب بـا شکمی آکنده از گوشت و خون پر کشد، و اوج گیرد. و روزهای بعد انسان اقامتگاه کرمها میگردد و در نـقش سراب گم میشود.

... و دیگر روز انسانی دیگر براشتری سوار است و کوله باری از حسرتها و اینکاشهـا دارد. و ایـن بـار «کرکس»، «کرکسها» شده‌اند و به انتظار مرگ گـمشدهٔ کویر نشسته‌اند. و او در زیر آفتاب سوزان تنها بـه «راه» می‌اندیشد، و شترش، که «رهرو» است و همه امید بر او بسته تا به‌کجایش رساند؟

اما هر بار، در جستجوی «آب» به «سراب» میرسد. و بدنبال «کلمه» ایـن قـربانی همیشه تـاریخ، بـرمدار خویش سرگردان میگردد، چه تلاش دردناکی که انسان خسته و مانده در بـرهوت زیستن، بـه‌ابتذال «بودن» و «داشتن» مبتلا میگردد، چه زیستن تلخی که «رنجی است بدون درد»[۱].

و گاهی برزمینه گداخته کـویر، سایـه پـرنده‌ای کـه شتابان پرمیزند و شاخساری میجوید، بـخودش مـیآورد. سایه‌گذران پـرنده، مسافر خسته را بـه‌قصر پـندارها می‌برد. در میان هاله‌ای از نور، برفراز ایوان مینشیند، بر تخت تکیه میکند. نـغمه خنیاگـران بـر لبهـایش خنده مینشاند، و در چشمهایش نشاط و تحسین، برلب جـوی پر جوش خروش، نرگس زیبا را تماشا میکند که یاسمن را به‌سفره گرفته، و لاله را پـرخون، کـه همه تـن چشم شده و به‌آفـتاب مـینگرد. لاله عباسی کـه بـرتن چنار پیچیده و به‌بازیش گرفته، سرخ و زرد و بنفش. و پـروانه که حیران چون کودکی شاد از ایـن گـوشه بـه‌آن گـوشه میپرد، و دمی آرام ندارد. و قـورباغه کـه بـر لب جـوی میخواند و شادان بـه آب مـیپرد و دوبـاره سر مـیآورد. میخواند. شاخه‌های گـیلاس چـه شکوهمند بـار آورده شده‌اند و انار که دلی پـرخون دارد امـا مـیخندد. صدای بلبلان در قفسهای طلائی روحش را جـلا میدهد پـرنده زیبا را در قـفس نـظاره مـیکند.... اسیری..... دربند اسیری!!

هذیان تشنگی لحظاتی بیخودش مـیکند. زبـان خشکیده و لبهای شکافته‌اش زمزمه‌ای موهوم دارد. جیغ کـرکسی بـخودش مـیآورد. بـه‌سختی چشمانش را می‌گشاید. کرکسها بر زمین نشسته‌اند و او را مینگرند و منتظر آخرین نفسهایش هستند. شترش را مینگرد. انگار هنوز توان رفتن دارد. زانو بر زمین زده و بـه‌دور دستها خیره شده است.

روز بپایان میرسد. آن دورتـر، در افـق، بـازی دیگریست، جنگ روز و شب است. و خون که در افق میجوشد. و سرتاسر کـویر را رنگین کـرده، و غروب میرسد. و بدنبال آن شب. به‌اشترش پناه میبرد و بـه‌آن تکیه مـیکند. آسمان صاف کـویر، گـودی سقف زمـین، رقص دب اکبر و ناهید و پروین تشنه کام زمین، و قـلبی که به‌آرامی میطپد، و چشمانی که رمق باز شدن ندارند، و دستهائی که معطل مانده‌اند و پـاهائی کـه تـوان ایستادن ندارند، و تاریکی و سـکوت. لحظات یکدی بیگذرند. بر ماسه‌ها افتاده .... انگار نفس نیز نمیکشد چـه سکوتـی ..... چه سکوتی. آنچنان کـه گـوشهایش تـحمل ایـن سکوت را ندارد. هیچ نیست ... همه یک تصویر است. آسمان، ستاره‌ها، زمین، سیاهی، و انسان....

ناگهان زمزمه‌ای برمیخیزد و زمزمه‌هائی. سکوت کویر شکسته میشود. آسمان به‌چرخش می‌افتد. ستاره‌ها در حرکتی گیج به‌هیجان آمده‌اند. زمزمه بـلندتر میشود. تکانی میخورد. احـساس میکند در هذیـان گـنگ دیـروز غرق شده. امـا صدا... صدای واقـعیت است. صدای سیلان آب است صدای آب است. صدای فوران. صدای جوشش. پـاهایش تـوانی مـیگیرند و چشمانش نـوری، برمیخیزد. به‌اطراف مینگرد. شتابان بـهر طرف میدود. صدا را میشنود صدای آب است. در هذیان نیست. بیدار است. و تشنه. و یافته.

«سوگند بدوندهای شتابان در حالیکه بسرعت نفس میزنند.»

«پس جرقه افروزان بازدن سمها»
«سپس یرش آوران بامدادی»
«سپس با آن گردی برانگیزنده»[۲]

بامداد است. روزی دیگر آغاز میشود. روز آشنائی، روز شناخت، روز شدن. شب قدری بود انسان، در کنار چشمه نشسته است، در حیرتی سنگین فرو رفـته. به‌چشمه مینگرد. آیه «خداوند» است. «نـهری است شیرین‌تر از عسل، سپیدتر از شیر و سردتر از یخ، دولبه آن زبرجد و ظروف آن از نقره، که اگر بنوشی هرگز تشنه نشوی.»[۳]

«انا اعطیناک الکوثر»

از زمین میجوشد. چه آهنگ روح نـوازی، کـوثری که از درون طبیعت فوران میکند. از عرش بـاریده و از زمین میجوشد. اما به‌کجا میرود؟

صدای پای آب که می‌غلطد و در زیر نـابش آفـتاب میدرخشد قلبش را گـرم میکند. او بـه‌آب رسیده انسان به‌کوثر به «قرآن» رسیده.

امروز صحنه دیروز و روزهای پیش تکرار نمیشود. «نقش سراب» با «کوثر» بواقعیت گرائیده، دورنمای هر روز و صحنه هر روز فـراموش شده، حتی کـرکسان، تماشاگران همیشه این «تـرازدی» کـوچ کـرده‌انـد. صحنه‌ای دیگریست و آدم دیگری که شبی پر شکوه بر او گذشته و به‌صبح رسیده.

«انا انزلناه فی‌لیلة القدر»

اکنون ای انسان، برخیز و در ایـن آب وضـو بساز. غبار روزهای سرگردانی از چهـره بـرگیر و بـه‌نـماز ایست. و لحظه لحظه‌ات را در حرف حرف نماز قیام کن و آنگاه شترت را. ایـن گـرانبهاترین دارائـی‌ات ایـن نفست را برسر این چشمه قربانی کـن. تـا از خـویشتن خویش جدا شوی.

فصل لربک وانحر،
ان شانئک هوالابتر،

* * *

نماز کن و شتر قربانی کن و بمیران که دشمن تـو دیری نخواهد پائید. شنیده‌ای کـه از شـبگاه دریـا دستی شگرف و جادوئی سر برمیآورد و در میان خروش طوفان و حمله موجهای گـران سفینه‌ها را نـجات مـیدهد؟ شنیده‌ای کـه سواری بـر اسب نشسته خـواهد آمـد. و «عنقا» که همه کرکسان را در نقش سراب، محو خواهد کرد.؟ اکنون، برخیز، ای به‌کوثر رسیده، از تبار ابـراهیم و تصویرگر نقش هاجر، در جستجوی آب؛

بخیز، که میگویند «ناجی در گـرمگاه حـادثه از راه میرسد»

«والسلام»

(۱) ــ جمله معروف دانته در «کمدی الهی». جلد اول «دوزخ».
(۲) ــ آیات ۱ تا ۴ سوره «العادیات».
(۳) ــ حدیث نبوی

ابراهیم پرناک

* * *

**یادداشتهای زیر را کـه مـتأثر از مشاهده صحنه‌های انقلاب است آقای امین فـقیری از کتاب یادداشتهای خود که در زیـر چـاپ است برای ما فرستاده‌اند با تشکر از ایشان.**

* یادداشت شماره ۳۰

در آن بحبوحه جنگ و گریز ــ فریاد ــ استغاثه ــ گاز تلخ و شور و گس و کثافت اشک‌آور، صدای رگبار مسلسل، جوان شانزده هفده ساله‌ای بـا دوربین کـتابی خود رو بما که می‌دویدیم رو بـه‌ربو که پشت سر مـا می‌آمد راه میرفت و عکس میگرفت.

«خدا کند دستش نلرزد و عکسهای خوبی بگیرد.»

* یادداشت شماره ۳۱

جوان دو دستی بـر سر مـیکوفت و حسین حسـین میکرد. بهاو گفتند «مگر حسین بر سر میزد؟ دست گـره کرده‌ات را به‌آسمان بکوب تا سینه یزید بدَرد»

جوان مشتش را گره کرد و فریاد کشید «مـرگ بـر این حکومت یزیدی»

* یادداشت شماره ۳۲

زن جوان بود. کودک یکساله‌اش را بـه‌بغل گـرفته بود. مات و مبهوت بـود. مـیگفت: پسرم را در بـغلش گذاشتم و گفتم بخاطر این بچه نرو

بمن جوابداد «نه من شهادت را انتخاب کرده‌ام»

وبعد زن آهسته گریست. صدای شیون بیمارستان را پر کرد.

* یادداشت شماره ۳۳

باغچه پشت پنجره را گل کاشته بودند یا روی گلها میگذاشتند تا از پنجره بتواند مریضشان را ببیند

گفتم: مادر اینها گل است. حیف است»

مادر چهره خسته‌اش را بـه‌طرف مـن بـرگرداند و گفت: گل از جوان مهمتر است؟ جوان من که در خون تپیده؟

نمیدانستم چه جواب بدهم. به‌ابرهای مشتعل آسمان نگاه کردم.

از کتاب یادداشتها (زیر چاپ)

«بیاد اولین نوروز»
۱ فروردین ۱۳۵۸

# کوچ بهار

اینک بهار، به کوچه‌های شهر کوچ کرده است. و گـل‌فـروش‌ها، نـه در حصار تـنگ دیوارها، بل درگذر خلق، یا رواق مدرسه، گـل‌های رنگارنگشان را ــ در پیچه «کتاب» ــ به جلوه نشانده‌اند. و «زنبورها» به یکایک گلها سرک می‌کشند. استشمام می‌کنند و «انتخاب». انگاه شهد آگاهی را تشنه‌تر از همیشهٔ تاریخ می‌مکند. به امید عسل فردای رشد.

**

در کوچه‌ها هنوز، خون تازه شهیدان بر سرخی تبدار لاله و میخک موج می‌زنـد. و پیام خون ایثارگران «مجاهد»، در سکوت همه فریاد «کتاب» و رنگ پرخروش «گل سرخ» و گرمی دیریای «بحث» و سختی قاطعانه «مشت‌های گره‌کرده» پیوند خورده است.

**

سنگرها، پادگانها را ترک کرده و در خیابان دامن افـراشته‌انـد. شهـر در غصب خفتهٔ قرن‌ها بدست جنگجویان پاکباخته فتح شده است و پتیمان رانـده‌شده سالهـا پـیش، آوارگـان قربانی «اشغال» باز گشته‌اند تا میراث پدران خویش پس گـیرند و زمـین «آزادشده» را حـرث کنند.

**

«گرگها» را کشته‌اند. و بچّه‌گرگ‌ها نیز انتظار مرگ می‌کشند. «گرگ هار» که در لباس عاریهٔ سگ گله‌داعیهٔ وفاداری داشت. باز هم گریخت و شغال‌ها و کـفتارها در نـخستین حمله «شیر» از شهر گریخته‌اند. «موش‌ها» در سوراخ‌ها خزیده‌اند و گربه‌های کاسه‌لیس، سفرهٔ خلق را، به دریوزگی طواف می‌کنند. و سگـ‌های همارهٔ باوفا، به‌خدمت «صاحب» نو ایستاده‌اند.

«چوپان بزرگ» بازگشته است، و بیدارتر از همیشه، مسلّح به تجربه سالهـای هجـر بـه چوپانی کمر بسته است.

**

«باغبان‌ها»، این گلزار توفان‌دیده و تگرگـ‌زده را، این باغ شته‌زده و آفـت‌دیده را از ظلم «غاصب دزد»، از چنگ لاشخوران و قارقار کلاغان، رها نموده به سیراب کردن درخـت‌ها کـه شاخه‌های خشکشان تشنگی سیاه قرن‌ها را به آسمان فریاد می‌کنند، پرداخته‌اند.

زمستان، باغ را ترک گفته، بلبل‌ها از قفس، از انزوای دردناک خویش رها شده، پـا از مهاجرتی دیرنده بازگشته، بر شاخه‌های جوانه نشسته این نسل، بـجای کـلاغان راوی تـملّق و دروغ، نغمهٔ «آگاهی» می‌سرایند.

**

آشیانه‌های کرکس و کلاغ، لانه‌های موش و مار، آثار شوم حکومت «دیو» ــ از نـام‌ها و خاطره‌ها ــ اینک، در عصر رحمت «فرشته» یک‌یک نابود میشود.

آری، بهار... اینک، در سرخی شفق فتح، در بامداد شب یـلدای ظلم، و در انـتهای ستم تاریخ ــ در طول قرن‌ها بر نسل‌ها ــ به کوچه‌های شهر کوچ کرده است.

تهران
ن. م «مهاجر»

******



تقدیم بمجوخه اعدام دادگاههای انقلاب
بمناسبت اعدام ۲۱ مزدور
بسمه تعالی

# فـرمـان آتش

*ای که خشمگین سلاحت را بردوش می‌کشی*
*ای سرتاپا سلاحین عزم*
*ای ایمان در قامتت سلاح*
*عزیزم! ای پاسدار*
*ای منتظر در جوخه آتش*
*مبادا! لحظه‌ای تنها گذاری آن عزیزت،*
*راستین همرزم و همگامت*
*ــ سلاحت را همی‌گویم ــ مبادا!*
*بدان بنگر و خوب تیمار دارش،*
*که امید بزرگ خلق را در جان خویش دارد*
*و محصول هزاران در هزاران سال خونبار است،*
*این آتشین نوزاد*
*و هشدار:*
*که میمون مولد فرزند پاک این سلاحت نگذرد،*
*ای هستی‌ات ایمان*
*چه اکنون، خلق‌ها انبوه انبوه*
*زپشت قرن‌ها حرمان*
*بفریاد سلاحت،*
*نالهٔ نوزاد پاکت*
*چشم دارند*

* * *

*پس، هان!*
*بشتاب، مانده را دریاب*
*که «فلاح» در انتظار «سلاح» نشسته است*

* * *

*ای گلولهٔ سلاحت عقدهٔ رنج مظلومین*
*رها کن «قذیفه» حق را*
*این عقدهٔ خلق را*
*که کلام خداست:*
*«نقذف بالحق علی‌الباطل» (۱)*

* * *

*ای خشم خلق خیزان از حلقوم سلاحت*
*بچکان ماشه‌ات را*
*با تمامی نیروی ایمانت بچکان*
*تکبیر گویان بچکان*
*تا دشمنان دژخیم،*
*شعله‌های غضب مستضعفین را از لولهٔ سلاحت بنگرند*
*و شدت آتش کینه‌شان را در گرمی گلوله‌ات بیابند*
*که:*
*«یوم‌المظلوم علی‌الظالم اشدمن یوم‌الظالم علی المظلوم» (۲)*

* * *

*ای منتظر در جوخهٔ آتش!*
*به‌بار آتش گلوله‌هایت را،*
*بریز طوفان خشمت را،*
*بر این قوم ثمود*
*که «صالح» را به‌تبعید برده‌اند اینان (۳)*
*والا تفعلوة*
*تکن فتنة فی‌الارض..... (۴)*

زیرنویس

۱) ــ «قذیفه» در زبان امروزی اعراب بمعنای هر گلوله است: گلولهٔ (تانک، توپ، مسلسل، تفنگ....) و گویی خداوند در آیه فوق (۱۸ ــ انبیاء) حق را گلوله‌ای گرفته است که بر پیکر باطل فرود میآید.

۲) ــ از کلمات قصار حضرت امیر:
روزیکه مظلومین پیروز میشوند، برای گروه ستم پیشه خیلی شدیدتر و ناگوارتر است تا زمانی که خود حاکم بودند. گویا منظور اسلام قـاطعیت و صلابتی است کـه مظلومان جهت احقاق حق خود در قبال ستمگران نشان میدهند.

۳) ــ گرچه «صالح» پیامبر قوم ثمود بود که مجبور بمهاجرت شد ولی در اینجای معنای عام آن منظور است: یعنی هر فرد مخلاق و رشد دهنده‌ای.

۴) ــ قسمتی از آیه ۷۳ ــ انفال ــ خطاب بمسلمین در سال دوم هجرت سال آغاز مبارزه آشکار در جبهه بدر؛ که اگر کـار مزدوران و دشمنان را یکسره نکنید و تدارک لازم را مهیا ننمائید دشمن در نتیجه تجربه تـازه‌اش فساد و فـتنه‌ای شدیدتر براه می‌اندازد.

# درود بر زن مسلمان، پیشتاز انـقلاب اسلامی

بقیه از صفحه ۱

## اساسنامه شوراهای کارخانه...

طرح‌ها را بررسی و ضرورت یا عدم ضرورت اجرای آن را با دلایل قابل قبول رد یا تأیید نماید.

### ۲ ـ گروه خرید و فروش

وظیفهٔ این گروه بررسی کلیه قراردادهای مالی، خدمات، خریدوفروش، مناقصه و مزایده اعم از داخلی و خارجی و نظارت در تنظیم کلیه قراردادها میباشد. لازم بتوضیح است که کلیهٔ قراردادها باید باطلاع اعضای شوراها برسد (اعم از قراردادهای انجام‌شده، در دست اجرا یا لازم‌الاجراء در آتیه).

### ۳ ـ گروه نظارت بر امور انبارها

وظیفهٔ این گروه بررسی کار انبارها و محدودکردن اقلام آنها بر طبق احتیاج قسمتها و رده‌بندی آنها میباشد. لازم بتوضیح است که این امر باعث میشود بعضی از مسئولان اجرائی که فکر تکروی و استقلال عمل با خریدهای بیمورد و کلان و بالنتیجه رکود و اتلاف سرمایه و بیت‌المال مسلمین را دارند نتوانند خودرأیانه عمل کنند.

### ۴ ـ گروه بررسی اسناد و مدارک، جمع‌آوری اطلاعات و کشف سوءاستفاده‌ها.

این گروه بررسی کلیهٔ اسناد و مدارک و اطلاعات جمع‌آوری شده را جهت تشخیص سوءاستفاده‌ها و افشاءگری را بعهده دارد.

### ۵ ـ گروه استخدامی و احکام

این گروه نظارت بر نحوه استخدام افراد و کنترل بموقع صدور ترفیعات و احکام و جلوگیری از تبعیضات را بعهده دارد.

### ۶ ـ گروه فرهنگی و آموزشی

وظیفهٔ این گروه عبارتست از اجرای موارد ذیل با تصویب شورای مرکزی:

الف ـ ایجاد کتابخانهٔ مناسب برای بالابردن سطح آگاهیهای اسلامی، سیاسی، اجتماعی و فنی و فرهنگی.

ب ـ برگزاری مجالس سخنرانی با شرکت افراد آگاه کارخانه و دعوت از شخصیت‌های اسلامی، اجتماعی و سیاسی.

ج ـ ترتیب نمایش فیلم و یا اسلاید در جهت آموزش‌های فوق‌الذکر.

د ـ انتشار خبرنامهٔ هفتگی جمع‌آوری شده از اخبار داخلی، افشاگریهای سوءاستفاده‌ها از طرح‌های غیراصولی و اعلام رویدادهای داخلی.

شورای انقلاب اسلامی کارگران پیشنهاد می‌کند:

۱ ـ با بالابردن ظرفیت کارخانه (که در صورت برخورد قاطع دولت با قراردادهای کارخانه و اتخاذ خط‌مشی صریح و انقلابی امکان‌پذیر است) و استفاده از توان کامل آن میتوانند در طرح «مسکن» با دولت همکاری کنند.

۲ ـ با ایجاد صنایع جنبی در کنار کارخانه از قبیل ابزارسازی (که در رژیم سابق قرار بود با اسرائیل و بعد با سوئد قرارداد ببندند) میتوان در جهت خودکفائی کارخانه گام مؤثری برداشت و بحران بیکاری را کاهش داد.

## اساسنامه شوراهای قسمتی و شورای مرکزی موقت انقلاب اسلامی کارخانه تراکتورسازی تبریز

### فصل اول

#### مقدمه

ما کارکنان کارخانهٔ تراکتورسازی تبریز در یک گردهم‌آئی لازم و شایسته دانستیم در اوضاع و احوال کنونی مملکتمان که انقلاب اسلامی ما بر رژیم زور و ظلم و غارت و اختناق پیروز شده و قدرت بتدریج از دست امپریالیزم و وابستگان داخلی آنها خارج شده و دستهای استعمار قطع میگردد لذا در این لحظات حساس انقلاب که منافع دلالان امپریالیزم در معرض خطر قرار گرفته است و هر لحظه ممکن است خدای ناکرده لطمه‌ای به‌انقلاب شکوفاشده‌مان وارد نماید بمنظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و خرابکاری و هرج‌ومرج و در جهت هماهنگی فعالیت‌های کارخانه با هدفهای انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی و برای ایجاد همکاری‌های ارزنده با وزارت کار و امور اجتماعی و شکوفائی استعدادهای خلاقه مبادرت به‌تشکیل شوراهای قسمتی که در رأس آنها شورای مرکزی موقت انقلاب قرار دارد می‌نمائیم و همچنین بوسیله این شوراهای قسمتی و شورای مرکزی، کلیه کارگران و کارمندان بر اساس خواسته‌های بحق خود در چهارچوب عدل اسلامی در ادارهٔ امور قسمتها و پروژه‌ها از نظر تولیدی، مالی، استخدامی، اجرائی و رفاهی مطابق مندرجات و دستورالعمل این اساسنامه نظارت می‌نمایند.

واضح است که بمحض اخذ دستور از وزارت کار اقدام به‌تشکیل سندیکای واقعی که خواستهٔ اصلی و اساسی کارگران و کارمندان میباشد می‌نمائیم.

#### گروه‌ها

##### ۱ ـ گروه بررسی طرحها

این گروه برحسب تشخیص می‌تواند هریک از

##### ۷ ـ گروه رفاه

وظیفهٔ این گروه عبارتست از:

الف ـ نظارت بر ادارهٔ امور شرکت تعاونی

ب ـ نظارت در امور مسکن

ج ـ نظارت در تأمین تفریحات سالم برای کارکنان و خانوادهٔ آنان از طریق مسافرتهای دسته‌جمعی و سایر موارد.

د ـ نظارت بر امور وام اعم از وامهای اعطائی، اعتبارات بانکی، معرفی‌های بانکی و سایر موارد.

##### ۸ ـ گروه انضباطی و نگهبانی

وظیفهٔ این گروه نظارت بر تشویق و تنبیه و جلوگیری از اخراج بیمورد کارکنان و رعایت صحیح نظام داخلی و نظارت بر امور نگهبانی کارخانه میباشد.

### فصل سوم

#### شورای مرکزی

۱ ـ کارخانه به قسمتهای زیر تقسیم‌بندی میگردد

الف ـ پروژه ساخت تراکتور

ب ـ پروژهٔ ساخت موتور

ج ـ پروژه ریخته‌گری

د ـ پروژهٔ آهنگری

هـ ـ امور خدمات فنی

و ـ امور طرح و توسعه

ز ـ امور نظارت ساختمانی

ح ـ مرکز آموزش

ط ـ امور اداری

ی ـ امور مالی

ل ـ امور فروش

ر ـ امور تدارکات و بازرگانی

ش ـ پروژهٔ تریلر و تجهیزات

ث ـ مونتاژ تراکتور انیورسال

ک ـ دفتر تهران

برحسب تعداد کارکنان شاغل در هر قسمت، سهمیه‌ای بصورت زیر برای قسمتهای فوق‌الذکر جهت تعیین نمایندگان شوراهای قسمتی و شورای مرکزی معین میشود:

تبصره: هر پیشنهادی که از طرف شوراهای قسمتی بمنظور افزایش تعداد نمایندگان شورای قسمتی و شورای مرکزی همان قسمت داده شود اخذ تصمیم نهائی با شورای مرکزی خواهد بود.

| قسمت | تعداد افراد شاغل | تعداد نمایندگان در شورای قسمت | تعداد نمایندگان در شورای مرکزی |
|---|---|---|---|
| الف ـ پروژه ساخت تراکتور | ۵۷۶ | ۷ | ۳ |
| ب ـ پروژه ساخت موتور | ۶۸ | ۵ | ۱ |
| ج ـ پروژهٔ ریخته‌گری | ۱۴۸ | ۵ | ۲ |
| د ـ پروژه آهنگری | ۷۵ | ۵ | ۱ |
| هـ ـ امور خدمات فنی | ۲۴۵ | ۷ | ۲ |
| و ـ امور طرح و توسعه | ۱۴۰ | ۵ | ۲ |
| ز ـ امور نظارت ساختمانی | ۱۰ | ۳ | ۱ |
| ح ـ مرکز آموزش | ۲۷۲ | ۷ | ۲ |
| ط ـ امور اداری | ۳۸۲ | ۷ | ۳ |
| ی ـ امور مالی | ۶۷ | ۵ | ۱ |
| ق ـ امور فروش | ۹۲ | ۵ | ۱ |
| ر ـ امور تدارکات بازرگانی | ۹۹ | ۵ | ۱ |
| ش ـ پروژه تریلر و تجهیزات | ۱۴۰ | ۵ | ۲ |
| ت ـ مونتاژ تراکتور انیورسال | ۲۶۶ | ۷ | ۲ |
| ک ـ دفتر تهران | ۳۶ | ۳ | ۱ |
| جمع | | | ۲۵ |

۲ ـ شوراهای قسمتی توسط کارکنان هر قسمت با رأی مخفی از کسانی که آمادگی خود را برای کاندیداشدن اعلام میدارند انتخاب میگردند. این شوراها وظیفهٔ نظارت بر حسن انجام کلیه امور قسمت خود را طبق شرح وظایف ضمیمه که باتوجه به اساسنامهٔ شورای مرکزی تدوین و بتصویب آن میرسد دارد.

۳ ـ شوراهای قسمتی با رأی مخفی از بین خود با توجه به سهمیهٔ ذکرشده فوق، نمایندگان شورای مرکزی را تعیین و به شورای مرکزی معرفی مینمایند.

۴ ـ شورای مرکزی از بین خود پنج نفر را بعنوان اعضای هیئت رئیسه با سمتهای سرپرست، معاون سرپرستی، منشی، صندوق‌دار و سخنگو برای اجرای تصمیمات شورای مرکزی انتخاب مینماید که طبق شرح وظایف ضمیمه اساسنامه عمل خواهند کرد.

۵ ـ شورای مرکزی از بین خود اقدام به تشکیل گروههای ذکرشدهٔ در این اساسنامه را می‌نماید باتوجه به اینکه هریک از افراد شورای مرکزی حداکثر می‌توانند در دو گروه عضویت داشته باشند.

۶ ـ گروه‌ها موظفند از کارکنان متخصصی که در هر قسمت وجود دارد با نظر شوراهای قسمتی جهت انجام وظایف محوله دعوت نمایند.

### فصل چهارم

#### وظایف شوراها

۱ ـ اعضای شوراهای قسمتی ضمن نظارت بر امور قسمت بایستی با تشکیل جلسات، صورتجلسات و گزارش کار هفتگی خود را توسط اعضائیکه در شورای مرکزی عضویت دارند به منشی تحویل دهند.

۲ ـ در صورتیکه هریک از اعضای شوراهای قسمتی وظایف خود را بنحو احسن انجام ندهند و در انجام آن قصور ورزند اعضای شوراهای قسمتی می‌توانند با دلایل مستند و با اطلاع شورای مرکزی بعد از دوبار اخطار اقدام به جانشین‌کردن عضو علی‌البدل بنمایند.

#### ب ـ شورای مرکزی

۱ ـ اعضای شورای مرکزی ضمن نظارت و سازماندهی و رفع مشکلات شوراهای قسمتی و گروهها، جلسات خود را برحسب احتیاج تشکیل میدهند و تصمیمات متخذه را در صورت لزوم باطلاع کلیه کارکنان میرسانند.

۲ ـ در صورتیکه هریک از اعضای شورای مرکزی وظایف خود را بنحو احسن انجام ندهند و در انجام آنها قصور ورزند سایر اعضای شورای مرکزی می‌توانند با دلایل مستند پس از ۲ بار اخطار کتبی که رونوشت آن به شورای قسمتی ارسال خواهد شد از شورای قسمتی تقاضای معرفی نمایندهٔ جدیدی را بنمایند.

۳ ـ در صورتیکه کارکنان هر قسمت از عضو خود در شورا رضایت نداشته باشند می‌توانند با اکثریت آراء قسمت خود، برکناری عضو مذکور را از شورای قسمتی یا مرکزی بخواهند که این تصمیم در شورای مرکزی قابل قبول می‌باشد.

### فصل پنجم

#### بودجه

۱ ـ برای تأمین مخارج شورای مرکزی از ۳۰ ریال حق عضویتهائی که کارکنان در وجه سندیکای منحله پرداخت مینمودند استفاده میگردد.

۲ ـ مسئولیت مالی برداشت از مبالغ جمع شده و پرداخت مخارج با تصویب سرپرست هیئت رئیسه، بعهدهٔ صندوق‌دار خواهد شد

این گزارش و اساسنامه و گزارشات مشابه آن برای غنی‌تر شدن تجربیات کارگران در زمینه تشکیل شوراها درج میشود.

******

## چگونه مطبوعاتی باید...!؟

صاحبان قلم را در تاریخ مبارزات خلق، مقامی والا و ارجمند است. هم آنان که به‌تعهد و مسئولیت خویش با سوگند «ن و القلم و مایسطرون» وفا کردند و حافظان پیام بودند، و یادآور یادآوران. چنین نقشی را در تاریخ مطبوعات ما بخوبی میتوان جستجو کرد. که از خیل خود فروختگان و قلم‌باختگان، آنانکه توجیه‌کننده نظامهای زر و زور و تزویر بودند، و جوهر قلمشان از دوات دربار شاهان مستبد و مستکبر مایه می‌گرفت، و در همه حال در کنار ضد انقلاب علیه انقلاب توطئه کردند. کسانی را می‌یابیم که در سیاهچالها و در زندانها، در زیر شکنجه، تا پای چوبه اعدام، دست از تعهد و مسئولیت و سوگند خویش برنداشتند و به‌آرمانهای خلق تا پای جان وفادار ماندند، و با خون خویش جوهر قلمی متعهد و انسان‌ساز و آرمان آفرین را تهیه دیدند، تا صاحبان قلم امروز و فردا از این خونها، پیام انقلاب را یادآور شوند.

تاریخچه مطبوعات ما اگر چه از بُعد زمانی کوتاه، ولی چنین صاحبان قلمی را در آن می‌توان یافت. آنجا که در آغاز «صوراسرافیل» را می‌بینیم که چگونه در سیاهچالهای قاجار برای برقراری یک مطبوعات آزاد در خدمت مردم مقاومت کرد. تا آنجا که به‌پای پیام خویش با پایمردی به‌شهادت رسید. و حاضر نشد شرف قلم را به‌ثمن بی‌شرفی بفرشد. این خیل آزادگان را در ایجاد یک مطبوعات متعهد و مردمی از آغاز مشروطیت می‌توان دنبال کرد. تا آنجا که در آن نهضت مطبوعات را رکن چهارم مشروطیت نامیدند. اما این رکن تا چه حد توانست در کنار ارکانی که استبداد در قدرت خویش داشت مقاومت کند؟ نه چندان؛ زیرا سلطه استعماری بهمراهی استبداد تا دوران سیاه رژیم پهلوی ادامه یافت. و در دستهای جنایتکار رضاخان قلدر و پسرش روزنامه‌نگاران آزاده‌ای چون عشقی، فرخی یزدی، کریمپور شیرازی، و دکتر فاطمی بفیض شهادت نائل آمدند...

رژیم شاه مخلوع با ایجاد سیستم مطبوعاتی وابسته بخویش توسط انحصارطلبان و سرمایه‌داران وابسته مانند مسعودیها و مصباح‌زاده‌ها از مطبوعات کشور بنگاههای تجاری ساخته بود، وابستگی آن نظام استعماری در تمامی ابعاد اقتصادی ـ سیاسی ـ اجتماعی مطبوعاتی را ایجاد کرده بود که توجیه‌کننده آن سیستم استثماری و مبلغ زندگی پوچ و مصرفی بود و در اشاعه فرهنگ منحط غربی و جامعه‌ای غرب‌زده و از خود بیگانه، تا آنجا پیش رفت که روزنامه‌نگاران خود فروخته از یکدیگر سبقت میگرفتند، و در رنگین‌نامه‌ها و روزی‌نامه‌هایشان هر چه بهتر و بیشتر تفکر صنفی خویش را نمایان می‌نمودند. مطبوعات خود بخشی از سرمایه دارای، سرمایه‌گذاران شده بود، و این سرمایه‌داران بخش مطبوعات کشور را در دست داشتند. نویسندگانی که قلم را به‌نان و شرف را به‌نام فروخته بودند، نویسندههای این روزنامه‌ها و مجلات بودند. و هر روز هر چه بهتر وسمه بر ابروی استبداد می‌کشیدند تا چهره منحوسش را در جامعه نه آنطور که هست، بلکه آنطور که استعمار میخواست منعکس کنند. و هم اینان بودند که عزیزترین فرزندان انقلابی خلق را با عنوانهای «خرابکار، ضد مردم، ضد اسلام و...» وانمود می‌کردند، و چه فحاشی‌ها که به‌نهضت مردم نکردند. و این گذشته‌ایست انکارناپذیر.

### انتظار بعد از پیروزی

اما فریاد انقلابی خلق و آتش انقلاب در سالهای اخیر مطبوعات ما را هم دربر گرفت. صاحبان قلمی که در زیر چکمه‌های استبداد در حال نابودی بودند، همراه دیگر برادران و خواهران انقلابی خویش به‌بانگ انقلاب پاسخ مثبت دادند. و با اعتصاب و مبارزه با سانسور استبدادی در مقابل حیله‌های استعمار قیام کردند. این آغاز پیوند نوینی بود که مردم انقلابی و توده محروم بخوبی از آنان استقبال کرد. داستان این شور و پیوند را همگی در اواخر ماههای سال گذشته آشکارا شاهد بودیم، و این چنین پیوندهای مردمی بود که همه با پیامهای قاطع و رهنمودهای سازنده رهبری انقلاب پیروز شدیم. پیروزی در سرنگونی رژیم منفور پهلوی و آغاز فصلی دیگر، فصل ریشه‌کن نمودن تمامی ابعاد آن نظام ضد خلقی و ضد انقلابی و جایگزینی نظام عدل اسلامی. و مگر نه اینچنین بود در شعارهای آن روز مردم که با پایگاه ایدئولوژی اسلامی، خواهان یک انقلاب مکتبی، یعنی تغییر بنیادی نهادهای ضد خلقی و ضد خدائی و ایجاد یک جامعه توحیدی بودند و هستند. مطبوعات ما هم اگر میخواهد انقلابی باشد و انقلابی بماند، و در قبال انقلاب مکتبی که تعهدآفرین است، متعهد باشد، جز این راهی نیست که پیامهای انقلاب را، یعنی همان شعارهائی که توده مردم در صفهای فشرده با نثار خون خویش بزبان آوردند، و هم‌اکنون خواستار تحقق آن شعارهایند، تفسیر و بیان نمایند. رهنمودهای مطبوعات باید در جهت تحقق آن خواستها بکار رود. اینکه رهبر انقلاب امام خمینی فرمودند «مطبوعات باید آنچه را که ملت میخواهد، بنویسند.» چیزی جز این نیست که مطبوعات بازتاب پیام و دردهای مردم باشند. و نه در جهت بیان عقاید این گروه و یا آن دسته. البته اگر روزنامه‌ای ارگان خاص گروهی را بخود اختصاص داد و در چهارچوب اینکه آن گروه و یا حزب و یا سازمان در درون خلق‌اند و دارای معیارهائی در جهت معیارهای انقلابند و برای پیشبرد انقلاب تلاش می‌کنند، بیان خواستها و طرح نظراتشان و عقایدشان در ارگان خویش آزاد و بلامانع خواهد بود. و این همان است که بارها امام فرمودند، که بیان عقیده آزاد است ولی توطئه هرگز. انقلاب اسلامی ایران با اینکه یک انقلاب مکتبی است نهایت دمکراسی را برای بیان عقاید، در جهت سازندگی بیشتر اعلام داشته، چنین آزادیهائی برای مطبوعات و دیگر ارکان در هیچ انقلابی دیده نشده. اما روزنامه‌هائی که خود را ارگان حزب و یا سازمانی نمی‌خوانند، ولی در شکل غالب روزنامه بیانگر خواستهای یک گروه خاص می‌شوند و عملاً بشکل ارگان درمی‌آیند، بی‌آنکه نام ارگانی در روزنامه داشته باشند، و با طرح مسائل فرعی و ایجاد هیاهو و جنجال بازاریابی می‌کنند، آب به‌آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند.

### مردم چه میخواهند

مردمی که انقلاب کردند و رهبری قاطعی که انقلاب را هدایت کرد، بارها به‌آزادی قلم و بیان و اندیشه هشدار داده‌اند. و پیروی خویش را از قرآن که پیرو بهترین اقوال در جهت سازندگی انسانی توحیدی باشند اعلام داشته‌اند. چنین خلقی انتظار دارد که بهترین اقوال را از مطبوعات فرا گیرد و نه خوانده شایعه و دروغ باشد! مردم از مطبوعات انتظار دارند تا مسائل انقلاب را با نقدی سازنده، بی‌کم‌وکاست، در تمامی ابعادش با کلامی و قلمی ناشی از پیوند انقلابی بنویسند و بیان دارند. نه اینکه از کاهی، کوه بسازند و یا از کوهی، کاه! یک نشریه و روزنامه، وسیله ارتباط جمعی است که افراد مختلف با نگرش گوناگون آنرا میخوانند، و شاید یک از مشکلات روزنامه‌ها همین باشد که برای چه کسی بنویسیم و با چه نگرشی؟ اگر این سؤوال در پیش از انقلاب مطرح می‌شد، در ابعاد وسیعی صادق بود، اما امروز مساله روشن است، با نگرشی انقلابی، با معیارها و ضوابطی که انقلاب در بیان خواستهایش از زبان مردم آشکارا و قاطع گفته است.

مسئولان مطبوعات با شناخت دقیق از ضد انقلاب، و اینکه دشمن اصلی انقلاب امپریالیسم جهانخوار و سرمایه‌داران وابسته به‌اویند، چهره اینان را باید برای مردم آشکارتر کنند. که اگر هر آنچه بنویسد آب به‌آسیاب امپریالیسم بریزد، خود عملی ضد انقلابی انجام داده است. در شناساندن جبهه ضد انقلاب که امروز در همان چهره‌های «قاسطین، مارقین، ناکثین» نمودار شده‌اند، خود بزرگترین رسالت مطبوعات در جهت پیشبرد انقلاب است. قلمها، همه و هر چه بیشتر باید در جهت افشاء ارتجاع و امپریالیسم باشد، و باید هوشیار بود که ارتجاع و امپریالیسم از هیاهو و جنجال و برجسته نمودن مسائل فرعی و اغماض از مسائل اساسی و اصولی، بهترین نتیجه و بهرگیری را خواهد کرد. آنچه که هر چه بیشتر پرده از چهره ارتجاع برمیدارد و به‌نابودی امپریالیسم خواهد انجامید، طرح مسائل اصولی است. اصول انقلاب که همان نابودی کامل امپریالیسم جهانی و وابستگان مرتجع آنست. با عنوان نمودن اصول انقلاب است که روحیه انقلابی مردم زنده خواهد ماند و پیوند انقلابی صف خلق مستحکمتر شده و مطبوعاتی انقلابی در میان چنین پیوندی شکوفا خواهد گردید.

برای برقراری ضوابط و اصولی اینچنین، و بهتر شدن کار انقلابی در مطبوعات، تشکیل یک شورای هماهنگی از افراد متعهد و مسئول که بتواند ضوابط انقلابی را جایگزین کند، از مهمترین اقدامات امروز مطبوعات کشور است. زیرا با تشکیل چنین شورائی و مشخص‌شدن آنچنان ضوابط انقلابی است که روزنامه‌ها و مطبوعات می‌توانند دردها را بدرستی بشکافند و همراه مردم در پیشبرد امر انقلاب گام بردارند.

:::::::



بپیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی اسلامی کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، معلمین، سربازان، درجه‌داران، افسران، اصناف و شوراهای محلی.

بقیه از صفحه ۱

## مباحث ایدئولوژیک

«کان الناس امة واحدة، فبعث الله النبین مبشرین و منذرین. و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البینات بغیاً بینهم. فهدی الله الذین امنوا لما اختلفوا فیه من الحق باذنه والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم. «بقره ۲۱۳» مردم، امت واحدی بودند پس خدا پیامبران را بشارت دهنده و انذار دهنده برانگیخت و با آنان کتاب را بحق نازل کرد ـ تا در میان مردم درباره آنچه اختلاف نمودند، حکم کنند ـ و در آن اختلاف نکردند مگر کسانیکه بعد از آمدن دلائل روشن، کتاب داده شدند. بدلیل ستیزه‌جویی در میان خود ـ پس خدا آنها را که ایمان آوردند، به‌آنچه اختلاف نمودند در آن از حق، بهاذن خود هدایت نمود و خدا آنکه را بخواهد بهراه راست هدایت می‌کند»

برطبق آگاهی که از تحول ساخت وجودی بشر داریم و با توجه به‌ظهور اراده در انسان و آزاد شدن از قید و بند غریزه، بروز اختلاف امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر بود. بشر نمی‌توانست برای همیشه در آن نوع از وحدت باقی بماند ـ از وقتی انسان آزاد شد و مختار گردید و انتخاب عمل و عکس‌العمل به‌تشخیص فردی واگذار شد. اختلاف سربلند کرد.

درست است که اعمال اولیه انسان تحت‌تأثیر محرکهای ذاتی و احتیاجات وی می‌باشد و در آغاز همه افراد دارای یک نوع محرکها و نیازمندیها هستند ـ اما چون پاسخ افراد به‌آن محرکها تا حدود زیادی به‌تشخیص آنها از اوضاع و احوال محیط بستگی دارد در عمل همانند نیستند.

ریشه اختلاف در رفتار اولیه انسانها که سبب تجزیه امت واحد شد در دو عامل است:

اول ـ چون مهار غریزه از روی رفتار و عکس‌العملها برداشته شد لذا، حد و اندازه در بسیاری اعمال و خواستها از بین رفته است. حد نیازمندی به‌غذا، مسکن، جفت، در انسان، همانند حیوانات، دقیق نیست ـ زیاده‌روی و زیاده‌طلبی از همین کیفیت زاده می‌شود. مرزهای هوسها و خواستهای نفس مبهم و نامعین است و دنبال کردن آنها تابع عواملی نظیر آگاهی به‌اوضاع و احوال محیط، خودآگاهی یعنی اطلاع از مصلحت وجودی، و بالاخره امکانات و موانع ـ مجموع اینها را میتوان در دو عامل آگاهی و تلقی فرد از خود و محیط و توانائیهای او محدود کرد.

بشر پس از رها شدن از قید غرایز، تابع خواستهای مرز ناشناس خویش شد و در ارضاء آنها از مقتضیات محیط و امکانات خود داستفاده کرد و چون این مقتضیات و امکانات فردی و اجتماعی برای تشخیص و عمل در همه یکسان نبود ـ اختلافاتی در شیوه عمل و عکس‌العملها بروز نمود اختلافات اولیه بین افراد مربوط به‌ارضاء محرکها و خواستهای نفسانی (جسمی و سپس روحی) بود. همه تشخیص یکسان نسبت به‌حدود نیازمندی و مصالح فردی و هدفهای زندگی نداشتند.

و همه در یک حد از توانائی شخصی قرار نداشته، دارای امکانات مشابه اجتماعی نبودند (تفاوت سن، موقعیت در خانواده قدرت جسمانی و مهارت در شکار و جنگ و....)

این تفاوتها سبب شد تجربیات افراد بشر که در مرحله زندگی غریزی یکسان و مشابه بود متفاوت شود. اختلاف تجربیات ـ به‌نوبه خود سبب اختلافات بیشتر در قابلیتها و قدرت تشخیص و هدفها و خواستها گردید.

از این پس هر فرد یا دسته از افراد در پی تأمین خواستها و تمنیات خویش و رسیدن بهدفهای خود راه جداگانه‌ای و شیوه و رسم زندگی ویژه‌ای برگزید ـ چون حد و اندازهٔ نیازمندیها و خواستها از بین رفت و به‌اصطلاح طغیان و سرکشی (از حدود و اندازه‌ها) آغاز شد و تجاوز و ظلم (از حدود و وضعیت درست و طبیعی) رخ داد ـ خواه ناخواه بین افراد اختلاف افتاد و پیش از آن هر کس به «حق» خود قناعت می‌ورزید و در حد تأمین نیازمندیها متوقف می‌ماند و از حدود خارج نمی‌شد و لذا طغیان و عصیان معنا نداشت ـ ظهور اراده در انسان و کسب اختیار و آزادی، با خطا و عصیان و انحراف ـ همراه است، زیاده‌طلبی با تجاوز همگام و تجاوز سبب خصومت و بروز نزاع و ستیز می‌شود ـ نوع اختلاف و تجاوز از یکطرف به‌خواستها و امیال فردی و گروهی و از طرف دیگر به‌مقتضیات محیط بستگی پیدا می‌کند هر فرد یا گروهی از افراد از خواستها و تمایلات مشترکی پیروی می‌کنند و بنا به‌آنکه چه امکاناتی در اختیار داشته باشند و شرایط طبیعی و جغرافیائی و زندگی اجتماعی چه چیز اقتضاء کند بنحوی رفتار می‌نمایند ـ نزاعها ممکن است فردی و یا خانوادگی و بین گروههای یک قبیله و یا بین قبایل رخ دهد و ما به‌انزاع ممکن است امور بسیار ساده و جزئی باشد تا دعوا بر سر تصاحب یک صید یا استفاده از میوه یک درخت یا تجاوز بقلمرو زندگی یک قبیله و یا تمایل به‌یک زن و نظایر آن با تکامل و توسعه جامعه انسانی ـ دامنه این نوع درگیریها و اختلافات بالا می‌گیرد. شیوه معیشت عوض می‌شود. جمع‌آوری غذا از جنگل و صحرا و صید و شکار جای خود را بهدامداری میدهد ـ بعداً زراعت و استفاده از زمین پیش می‌آید نیازمندیهای تازه ـ خواستها و تمایلات جدیدی در افراد بروز می‌کند امکانات فردی و اجتماعی تغییر می‌کند و تشخیصها و اهداف و مقاصد متفاوت و ویژگی پیدا میکند اینهمه بر ماهیت خصومتها و دسته‌بندیها و اختلافات اثر می‌گذارند ـ در هر حال امت واحد به‌گروههای متفاوت و متخاصم تقسیم می‌گردد و اختلاف در هدف، راه، ثروت و قدرت، درباره زمین و دام و زراعت و قلمرو و ابزار کار و نظایر آن پدیدار می‌گردد ـ بشر از فطرت اولیه منحرف و بر حدود و اندازه‌ها (حق) تجاوز کرده است ـ عدالت که گام برداشتن و رفتار کردن در مسیر (حق) است پایمال و ظلم و اختلاف جای آنرا گرفته است.

اکنون انبیاء بهاراده خدا مبعوث میشوند و بهمراه آنان کتاب حاوی دلایل روشن درباره «حق» و هدف درست و راه مستقیم و حاوی میزان و ابزار سنجش و قضاوت صحیح و تشخیص حق از باطل نازل می‌گردد.

هدف انبیاء آنست که وحدت را بهامت باز گردانند و مردم را که به‌گروههای متخاصم تقسیم شده‌اند در یک امت متحد گردانند. امتی که دارای هدف و طریق واحد است و چون ریشه اختلاف در تشخیص‌های گوناگون. (پس از محروم شدن از تشخیص‌های واحد غریزی) و تبعیت بی‌چون و چرا از خواستها و تمایلات شخصی و گروهی (بدلیل نبودن مهارهای غریزی بر امیال و رفتار) است. انبیاء به‌کمک دلائل روشن و قابل فهم و با اشاره شواهد عینی، مردم را به‌تشخیص درست و هدایت و به‌تقوی (تسلط بر خویشتن و کنترل خواستها و تمایلات در جهت درست) دعوت می‌کنند.

بر اساس ملاکها و میزانهایی که حق را از باطل متمایز می‌سازد درباره اختلافات آنان قضاوت و حکم می‌کنند و از آن میان راه درست (مستقیم) زندگی کردن و مصالح واقعی و هدفهای برحق زندگی فردی و اجتماعی را فرا راه بشر قرار می‌دهند و در مرحله‌ای برای اینکار مأمور می‌شوند که بشر خود قدرت کافی برای تشخیص درست این حقایق ندارد و اسیر جهل و خرافه و تمایلات سرکش نفس می‌باشد و بجای حق، باطل را می‌پرستند و بدان پای‌بند هستند «ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم من‌هدی‌الله و منهم من حقت علیه الضلالة» نحل/۳۶ و همانا برانگیختیم در هر امتی پیغمبری را که پرستش خدا را و دوری گزینند از طاغوت، پس از ایشان است آنکه رهبریش کرد خدا و از ایشانست آنکه فرود آمد بر او گمراهی»

دعوت انبیاء و دلائل روشن آنها بعضی را براه حق می‌کشاند ـ و بعضی که اصول دعوت را با منافع و تمایلات خویش سخت در تضاد می‌بینند با آن مقابله می‌کنند ـ هر کدام در یک صف قرار می‌گیرند و امتی جدا تشکیل می‌دهند ـ این بار تقسیم جامعه به‌گروهها بر محور دعوت انبیاء است که هدف آنها برقراری عدل بر پایه حق است، هدف از بین بردن اختلاف ناشی از ظلم و نابرابری است.

همانگونه که بروز اختلاف و نزاع در بین همه اقوام امری محتوم است ـ بعثت انبیاء عوام برای پایان بخشیدن بظلم و انحراف ـ اجتناب‌ناپذیر است «ولکل امة رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط وهم لایظلمون» یونس/۴۷ اما همه با حق و عدل موافق نیستند بعضی مخالف و بعضی موافق با آن می‌شوند مخالفین را قرآن تحت عنوان مستکبرین نام می‌برد ـ یعنی کسانی که بهر علت زیر بار «حق» نمی‌روند و بر آن کبر می‌ورزند و صرفاً از تشخیص و منافع شخصی پیروی می‌نمایند ـ مستکبرین را در تاریخ بیشتر از همه ملأ و مترفین (صاحبان قدرت و ثروت) تشکیل می‌دهند که شرح حال آنها در آینده خواهد آمد. اما اختلافات نوع دیگری هم بعد از ظهور انبیاء ـ در بین کسانی که کتاب را دریافت می‌کنند ظاهر می‌شود ـ با وجودیکه «حق» یکی بیش نیست و اصول و موازین آن با دلایل روشن بیان شده است و میزان تشخیص حق از باطل به‌صحیح از سقیم ارائه شده است ـ بعضی از روی سودجوئی، قدرت‌طلبی، و کسب موقعیت و امتیازات بیشتر و پیروی از هوی و هوس شخصی آنرا بمیل و منفعت خود تعبیر و تفسیر می‌کنند و با پیروان صادق آن بهدشمنی برمی‌خیزد ـ حقایق را لوث و مشوش می‌سازند ـ در این میان کسانی که در تشخیص وضعیت خود از حق از علایق شخصی، سودجوئی، اغراض و بردگیها بدوراند و دارای ضمیری پاک و وجدانی بیدار و عواطفی انسانی هستند ـ حق را بدرستی در می‌یابند و بهدایت پروردگار براه درست گام نهاده در راه رسیدن بهدف اصیل تلاش می‌نمایند و تشکیل یک امت پیشرو، برگزیده و برحق می‌دهند.

امت یا گروه برحق، امت برگزیده است که آزاد از منافع و تمایلات سرکش نفس، با آگاهی بر هدف درست زندگی و شناخت صحیح از راه وصول بهدف با تسلط بر خویش و با قبول رسالتی که در میان سایر مردم دارد ـ حرکت می‌کند.

مسئولیت چنین امتی دو بعد دارد یک بعد آن آزاد کردن خویش از وابستگیهای غیر توحیدی و تلاش در جهت خداگونه شدن است و برای رسیدن به‌این هدف ناچار از مبارزه برای تغییر شرایط و مناسبات و نظامات غیر توحیدی در محیط خویش است ـ از این رو مسئولیت امت پا خاسته و در راه حق در رابطه با سرنوشت خویش بوظیفه او در توحیدی کردن نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شود ـ بعد دیگر متوجه تلاشی است که باید برای رواج حق و گسترش عدالت و آزادی در بین سایر ملل بنماید. امت برحق معمولاً نمونه و سرمشق برای سایر مردم است ـ گواه است زیرا که در عمل و رفتار و در عقیده مظهر کامل حق هستند.

در اینجاست که عناصر متشکله امت یکی می‌شود ـ عنصر مردم و عنصر عقیده ـ امت مردمی هستند مظهر عقیده ـ و عقیده در عمل و رفتار آن مردم متجلی می‌شود.

«نشانه یک امت عقاید و هدفهای آنان استه که در عمل و رفتار فردی و در مناسبات اجتماعی آنان ظهور می‌کند ـ و از آنجا که عقیده را فقط در عمل می‌توان مشاهده کرد ـ امت فقط با عمل خود می‌تواند عقاید و اهداف خود را بهدیگران معرفی کند.

بنابراین ـ برای مردم در قضاوت درباره یک امت تنها معیار قابل قبول ـ عمل و آثار عمل و نظام و روابطی است که در عینیت جامعه و در نهادها ظاهر است. امت با عمل خویش سرمشق دیگران است نه با گفته‌ها و ادعاها ـ امت اسلام تنها وقتی امت اسلامی است که مظهر واقعی آرمانها و معیارهای اسلامی بوده و در راه تحقق هدفهای اسلام که استقرار یک جامعه توحیدی و ساختن انسانهای خداگونه است حرکت می‌کند.

بنابراین اصل که جز عمل راهنما و سرمشق مؤثری وجود ندارد و امت هم بدون سرمشق عملی نمی‌تواند در راه تحقق هدفهای خود گام بردارد ـ از اینجاست که هر امتی را سرمشقی یا بهدیگر سخن امامی باید سرمشقی که مظهر عالی همه ارزشهای مکتب باشد رسول اکرم سرمشق و نمونه عالی مکتب برای امت (حزب) اسلام است ـ زیرا در همه حال در اندیشه و رفتار تجسم و تجلی عینی آرمانها، ارزشها و معیارهای مکتب بود ـ امت اسلام هم تنها در صورتی می‌تواند گواه نمونه و سرمشق برای مردم باشد که در همه جنبه‌ها، در عمل و رفتار خود و در مناسبات اجتماعی و روابط دستجمعی مظهر عالی ارزشهای توحیدی باشد تنها در اینصورت بهرسالت خود یعنی شهید بودن بر مردم عمل کرده است.

«و کذلک جعلناکم امت وسطاً لتکونوا شهداء علی‌الناس و یکون الرسول علیکم شهیداء»

امتی چنین پیشرو و پیشتاز و نمونه و شهید که از انسجام کامل برخوردار است و بر اساس وحدت عقیده در مسیر واحد و بسوی هدف واحد در حرکت ـ ممکن است در اثر پیروی از اغراض شخصی افرادش به‌گمراهی بیفتند و سودجوئی و برتری‌جوئی و منافع و تمایلات خصوصی را بر پیروی از حق ترجیح دهند بلافاصله به‌اختلاف و نفاق دچار می‌شود ـ بعضی می‌کوشند حق را وسیله جلب منفعت شخصی و کسب موقعیت و امتیازات ویژه قرار دهند و دیگران را فریب دهند و پیرو خود سازند و بر آنها مسلط شوند و از آنها بهره‌کشی کنند و به‌تبعیت از وسوسه فزونی‌طلبی و برتری‌جویی دست بظلم و تجاوز دراز کنند در نتیجه امت واحد بهم پیوسته دچار تناقض و تضاد درونی می‌شود ـ استحکام آن از بین می‌رود و چون طنابی که رشته رشته شده است بزودی پاره می‌گردد و امت رو بنابودی می‌گذارد.

در طول تاریخ امم بسیاری در نتیجه افتادن در مسیر گمراهی و ظلم و ستم و فساد و شرک و آلوده شدن به‌اغراض شخصی و اسیر شدن و وسوسه قدرت و ثروت و استقلال و استکبار ـ یک‌یک به‌انحطاط و سرانجام هلاکت افتادند.

بر اساس این سنتهای لایتغیر الهی است که خداوند امت اسلام را از افتادن در مسیر امتهای منحرف گذشته برحذر می‌دارد و از پیروی از اغراض شخصی و دچار شدن به‌نفاق و تفرقه پرهیز می‌دهد.

«ولاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا، تتخذون ایمانکم دخلاً بینکم ان تکون امت هی اربی من امته ـ انما یبلوکم الله به ـ و لیبین لکم یوم‌القیمة ماکنتم فیه تختلفون» نحل/۹۱

و چون آنکس که رشته خود از پس تابیدن، پنبه را قطعه‌قطعه کند نباشید که قسمهایتان را بین خودتان دستاویز فریب کنید برای آنکه گروهی بیشتر از گروه دیگر باشد ـ حق اینست که خدا شما را با تقسیمها امتحان می‌کند ـ و روز قیامت مطالبی را که در مورد آن اختلاف داشتند برایتان بیان می‌کند.

مأخذ
المنجد
مفردات راغب
قاموس قرآن
پرتوی از قرآن
امم
بعث
الذین
جائتهم
البیات

●●●●●

بقیه از صفحه ۳

## جنگ سرد

چه کسانی بودند؟ گذشته از اینها آن پاسبانها و سربازان ناآگاهی که بر روی مردم آتش گشودند و هزاران نفر را به‌خاک‌وخون کشیدند از منافع چه کسانی حفاظت می‌کردند؟ بودجه ساواک را چه کسانی تأمین می‌کردند؟ آیا کمکهای مالی امثال القانیانها به‌اشغالگران اسرائیلی در نهایت بصورت بمبهای ناپالم بر سر آوارگان فلسطینی فرود نیامد؟

ـ «فقاتلوا ائمةالکفره» پس بکُشید پیشوایان و سرمداران کفر را.

در واقع این قبیل اقدامات دادگاههای انقلاب چیزی جز تبلور تنفر و انزجار خلق مستضعف ایران از سرمایه‌داران زالوصفت وابسته به‌صهیونیسم و امپریالیسم نیست. و از طرف دیگر بیانگر حقیقتی بسیار ظریف و نشاندهندهٔ آن نقطهٔ ضعف اساسی ضد انقلاب است. سنای آمریکا حتی در مقابل اعدام هویدا و نصیری و سایر سرسپردگان نظامی رژیم شاه به‌صدایی اینچنین آشکار درنیامد. امّا به‌محض اعدام یک سرمایه‌دار وابسته به‌صهیونیسم و نظام سرمایه‌داری جهانی، اینگونه دست به‌اعتراض می‌زند و حتی مردم ایران را تهدید می‌کند که در صورت ادامهٔ این نوع اعدامها روابط نزدیک و دوستانه ایران و آمریکا نیز بمخطر می‌افتد. این روابط دوستانه و نزدیک را خوب می‌شناسیم فروش میلیاردها دلار سلاحهای مخوف، غارت منابع ایران، صادر کردن جواز کشتار انقلابیون ظفار و اریتره و.... بوسیلهٔ ارسال مزدوران ارتشی به‌این مناطق، ایفای نقش ژاندارمی منطقه و.... همان روابط دوستانه و نزدیکی است که سناتور «بِرده» از آن سخن می‌گوید. روابطی که بقول رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی «روابط مظلوم با یک ظالم بود، روابط غارت شده با غارتگر.»

تداوم کار دادگاههای انقلاب در قصاص به‌حق بیانگر خواستهای خلق مستضعف است. منطق احکام این دادگاهها ناشی از ارادهٔ الهی است که عدل اسلامی را به‌بارزترین وجهی در محکمهٔ عدل عیان ساخته است **استقلال این دادگاهها در عملکرد انقلابی‌شان در پیشرفت سریع انقلاب در امر نابودی ارتجاع و ریشه‌های وابستگی به‌امپریالیسم ضروری است. اگر این دادگاهها را بهدادگستری، که خود مشکلات فراوان و پیچیده‌ائی را دربر دارد بسپارند، به‌یقین از سرعت و عملکرد انقلابی آن کاسته خواهد شد. زیرا دادگستری در شکل کنونی‌اش خود با کوهی از مشکلات و درگیریهای ناشی از سیستم دادگستری گذشته درگیر است.**

خلق مستضعف ما بارها انزجار خود را از این «روابط دوستانه و نزدیک» اعلام کرده است. پشتیبانی قاطع و همه‌جانبه از دادگاههای انقلاب، در این ایام که حتی از جانب امپریالیسم آمریکا و نوکران وابسته‌اش با سروصدا مورد تهمت و افتراء قرار گرفته است، لازم و ضروری است. اینک که دادگاههای انقلاب اسلامی در راه گسستن این «روابط» یا بهتر بگوئیم زنجیرها قاطعانه و پیگیر تلاش می‌کنند.

**این تلاش را هرچه بیشتر ارج نهیم.**

●●●●●●●

## دعوت به راهپیمائی

دعوت برای شرکت در راهپیمائی جهت تأیید مواضع ضد امپریالیستی رهبر انقلاب و حمایت از دادگاههای انقلاب اعتراض به‌سیاست تجاوزکارانه امریکا

ما روابط با آمریکا می‌خواهیم چه کنیم
روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با
یک ظالم است و روابط غارت شده با
یک غارتگر است. امام خمینی

ارزش و اهمیت هر اقدام را می‌توان در بازتاب آن از جانب دشمن سنجید. عکس‌العمل شدید محافل امپریالیستی در سنای امریکا نسبت به‌اعدامهای انقلابی در ایران اهمیت کار دادگاهها را بیشتر آشکار می‌سازد.

امریکا و متحدین استعمارگرش به‌عیان می‌بیند که علیرغم همه توطئه چینی‌ها، تحریکها، و نفاق‌افکنی‌ها، روح انقلاب خلق زنده است. و در کار دادگاههای انقلاب و اعدامهای انقلابی خائنین بمملکت، مزدوران استعمار، عمله استبداد، شکنجه‌گران و آدمکشان و غارتگران بیت‌المال، سرمایه‌داران وابسته به‌امپریالیسم و صهیونیسم و همه مفسدین و خیانتکاران، متجلی است.

این روح زنده و بیدار در چهره انقلابی و موضع‌گیریهای قاطع و ضد امپریالیستی رهبر انقلاب متجلی است.

بی‌شک هر گام موثری که علیه نفوذ امریکا و منافع استعمارگران برداشته شود آتش خشم اهریمنان را شعله‌ورتر می‌سازد. آنها بر اقدامات توطئه‌گران خود خواهند افزود امریکا هیچ فرصتی را برای سرکوبی انقلاب از دست نخواهد داد و در این راه از همه امکانات خود در داخل و خارج کشور بهره خواهد جست.

خشم محافل سرمایه‌داری و صهیونیستی امریکا و دیگر ممالک استعماری از اعدامهای انقلابی معیار درستی برای سنجش اقدامات اساسی و انقلابی در کشور است. امام خمینی رهبر سازش‌ناپذیر و انقلابی در سخنان آتشین خود جواب خلق را به‌سگهای هار سنای آمریکا دادند مسیر آینده انقلاب را مشخص ساختند. مسیری که به‌قطع کامل نفوذ سیاسی اقتصادی و فرهنگی استعمار و سرمایه‌داری جهانی منجر خواهد شد. پیروزی در چنین مبارزه عظیمی وابسته به‌هوشیاری و اتحاد خلق مسلمان ایران است عربده‌های نفت‌خواران و غارتگران بین‌المللی مردم مبارز و قهرمان ما را نمی‌ترساند ملت ایران قدرت خود را در

بقیه در صفحه ۷

## ارتش را فراموش نکنید

در مقالاتی که در رابطه با مسائل ارتش در نشریه است (شماره‌های ۱، ۲، ۳)

آمد، بحث پیرامون ایجاد یکو ارتش اسلامی و مردمی مطرح شده. در مجموع آنچه که در دوباره سازی ارتش و ایجاد یک ارتش اسلامی بررسی شده، در سه بخش میتوان خلاصه کرد. که عبارتند از تصفیه ارتش، ایجاد مناسبات نوین و سیاسی نمودن ارتش. هر یک از این بخش‌ها با ضوابطی مشخص و معین گردید، اما در این روزها بحث پیرامون ارتش نه تنها بحاشیه کشیده شده، بلکه تا حدودی فراموش گردیده است. جائیکه تصفیه در ارتش که باید شامل تمامی عناصر فاسد و وابسته بهرژیم گذشته شود تنها در ابعاد بسیار محدود، آنهم در سطح تعدادی از امرای ارتش مانده، و چنین بنظر می‌آید که پاکسازی ارتش از این عناصر را تنها در همین سطوح پایان یافته دانسته‌اند. حال آنکه افراد زیادی از عناصر فاسد و وابسته بهرژیم گذشته در سطوح مختلف و بادرجات پائین افسری و یا حتی غیر افسر نه‌تنها تصفیه نشده‌اند. بلکه همچنان با همان روابط سعی در ایجاد مناسبات گذشته در درون ارتش را دارند. تغییر مناسبات حاکم گذشته که ناشی از اطاعت کورکورانه بوده. هنوز آنطور که باید انجام نگرفته و روابط پرسنل در درون ارتش چندان تغییری نیافته است. در رشد فرهنگ سیاسی و آموزش سیاسی تنها در برگزاری چند سخنرانی، آنهم نه بطور مداوم، برنامه شخصی اعلام نشده است. اگر آنهمه خواستها و برنامه‌ها در جهت ایجاد یک ارتش اسلامی نادیده گرفته شود و پاکسازی ارتش از عناصر فاسد و آلوده و وابسته بهرژیم گذشته ادامه پیدا نکنند و آموزش ایدئولوژی ـ سیاسی برای تغییر مناسبات درونی ارتش با برنامه منظم و مداوم پیگیری نشده، هیچ تغییر نهادی و بنیادینی در ارتش بوجود نخواهد آمد. اینچنین بنظر می‌آید که از توجه به‌مسائل ارتش کاسته شده، و جهت‌گیری در برقراری همان مناسبات گذشته آغاز شده. چنانکه چندی است که سعی در بازخرید عده‌ای از همافران مبارز و غیر نظامی نمودن آنها را دارند. اگرچه در نظام گذشته بازخرید شدن و از لباس نظامی بیرون آمدن، خواست عده بیشماری در ارتش بوده، حال که میخواهند در ارتش باقی بمانند و مفید واقع شوند. بنظر می‌رسد با برخورد غیر اصولی بعضی از مقامات در نیروی هوائی سعی به‌اخراج این افراد می‌شود. باید پرسید تصفیه در نیروی هوائی از همان امرای وابسته و دیگر افسران فاسد تا کجا صورت تحقق پذیرفته است!؟ که اکنون در جهت بازخرید همافران پرداخته‌اند. دنبال نمودن مسائل ارتش تا ایجاد یک ارتش اسلامی و مردمی و تصفیه و تغییر مناسبات درونی و همچنین آموزش ایدئولوژی ـ سیاسی در ارتش برنامه‌هایست که هر روز باید همه مردم شاهد گسترش و پیشرفت آن در درون ارتش خویش باشند ـ

درود بر مجاهد نستوه آیت الله طالقانی

## کدام حقوق

بقیه از صفحه ۱

غرب آن بوده است که با بسط حقوق بشر و دموکراسی در کشورهای جهان سوم روی خوش نشان ندهد. زیرا آن را تهدیدی برای منافع خود می‌دیده است. موضوع روشن است. اگر مردم این کشورها سرنوشت خود را در دست گیرند و حکومتی دمکراتیک بر سر کار آورند، طبیعاً نفوذ اقتصادی غرب و قراردادهای نابرابر در معرض خطر قرار خواهد گرفت... وقتی به‌این آسانی میشود با حکومت‌های خودکامه و بدون ریشه مردمی بمراه آمد، چرا بـه‌نوع دیگرش میدان داده شود؟... حکومت بی‌ریشه از نظر سوداگرها دو حُسن دارد: یکی آنکه بعلت بی‌ریشگی بیم‌زده است و بدنبال پشتیبان بین‌المللی می‌گردد که این پشتیبانی را از طریق معاملات سهل و آسان میتوان بدست آورد. دوم اینکه چون خودش خود را بر سر کار آورده در برابر مردم تعهد اخلاقی ندارد. پس... خیلی راحت میشود با او سروسر برقرار کرد. غرب در ارزیابی‌ای که از نظامهای حکومتی خارج دارد تابع این اصل است که از هر یک چه اندازه میتوان استفاده اقتصادی برد. در واقع یک کشور خارجی یک «واحد اقتصادی» است و میزان اعتبارش وابسته است به‌مقدار استعدادش در امضاء قرار داد. درجه بشردوستی و اصلاح طلبی و مترقی بودن حکومت محلّی نیز از نظر غرب، به‌معیین «میزان‌الحراره» قرار داد، ربط پیدا می‌کند... برای این منظور تا بتوانند دستگاه ارتباط جمعی و روزنامه‌های خود را نیز تحت تأثیر می‌گیرند. اصل «عدم مداخله در کار کشورهای دیگر» همیشه بهانه خوبی بوده است برای چشم بر هم گذاردن به‌فجایعی که در بیرون می‌گذرد، و اصل «همدردی انسانی» وسیله‌ای برای «دگرکشی» و هر یک از این دو را به‌جای خود میشود به‌جنبش آورده.[2]

اینبار، بهانه «انسان دوستی» است که توطئه آغاز شده، مطبوعات و ارگانهای رسمی و غیررسمی غرب میخواهند زیر عنوان «حقوق بشر» و بطرفداری از آن، حقوق بشری خلق ایران را نفی کنند. توطئه، خیلی تازه نیست. آغازگرش «جیمی کارتر» بود که با طرح استماری آن خواست هم برای ملّت امریکا پس از جنگ ننگین ویتنام و قضیه ننگین‌تر «واتر گیت» اعاده حیثیت بکند و هم آنرا بعنوان سلاح برّنده‌ای علیه بلوک شرق مخصوصاً شوروی، در روابط قدرت، بخدمت گیرد. سیاست دفاع از حقوق بشرش را با اعتراض بمحاکمه‌های روشنفکران ناراضی شوروی آغاز کرد و سپس آنرا به‌ایراد نصایحی در مورد «فضای آزاد سیاسی» به‌رهبران کشورهائی که ملّتهایشان از اختناقی کهنه رنج می‌بردند، چاشنی زد. امّا ماهیّت ایدئولوژی کارتر خیلی زود، هنگام سفرش به‌ایران در دیماه ۵۶ بر همه روشن گردید: وقتیکه از شاه بعنوان یک اندیشمند و کسیکه «مدافع خوب حقوق بشر» است نام برد!.

کارتر، در شرایطی آن سخن را گفت که هزاران انسان از جوان و پیر، زن و مرد، در زندانهای قرون وسطائی شاه شکنجه میشدند و تا آنوقت صدها نفر ازین زبدگان خلق ما بحکم بیدادگاههای نظامی با محاکماتی بی‌پایه و سرّی به‌جوخه اعدام سپرده شده بودند یا به‌اشکال گوناگون در کوی و برزن یا زیر شکنجه شهید میشدند. زمانی بود که در تبریز مردی از شدّت فقر زن و فرزندان و خودش را کشت و بر دیوار با خون نوشت: «ای آریامهر، ما گرسنه‌ایم!...» مگر شکنجه و ترور و فقر را اصول حقوق بشر تقبیح نکرده بود؟! (مقدمه و مادّه ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

اکنون، پس از پیروزی انقلاب، دنباله‌روان کارتر، مسأله تجاوز به‌حقوق بشر را مخصوصاً بخاطر احکام دادگاههای انقلاب ایران پیش کشیده‌اند. چیزی که اگر برایش توجیهات سیاسی ــ اقتصادی و سودجویانه فرض نکنیم و برای «غرض» در آن جائی قائل نشویم موجب شگفتی فراوان‌مان می‌گردد.

اشکال مسأله تنها این نیست که مقامها و ارگانهای معترض در شرایط اختناق آریامهری کمتر به‌وضع زندانیان سیاسی ایران و احکام دادگاههای نظامی و شرایط خفقان دوران سیاه پهلوی پرداخته‌اند و تنها سال گذشته بود که بعد از سالها اعمال شکنجه در زندانهای شاه ــ شکنجه‌هائی چون ارّه کردن پا، کورکردن چشم، شوکهای عصبی و سوزندان بدن با اجاق ــ سازمان عفو بین‌المللی در گزارش خود «درباره شکنجه» خود چند صفحه‌ای را نیز به‌زندانیان سیاسی ایران اختصاص داد.

لزومی نیز در اینجا به‌تذکار نیست که پرسیده شود آیا اکنون تنها مورد دفاع از حقوق بشر اعتراض علیه احکام دادگاههای انقلابی ایران است؟ دفاع از حقوق ملّت نیکاراگوئه که بیش از چهل سال است زیر سلطه یک دیکتاتوری استثمار و شکنجه میشود؛ دفاع از حقوق و آزادیهای مردم آرژانتین که سالهاست از حکومت ژنرال ویدلا زجر می‌کشند و جوانان آرژانتینی دسته‌دسته همچنان با توقیف و شکنجه میشوند یا ناپدید. یا دفاع از خلق سیاه‌پوست افریقای مرکزی که باید حکومت ارتجاعی امپراطور بوکاسا را تحمّل کنند و شاهد نمایش کمدی قدرت او باشند دفاع از حقوق بشر نیست؟ این مسأله که شرکتهای چند ملیّتی امریکائی ۵۰ درصد ثروتهای جهان را بمردم امریکا که فقط ۶ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، هدیه می‌کنند و در عوض ملّت شبه قاره هند ــ نمونه‌اش این روزها بنگلادش ــ و بسیاری از ملّتهای افریقا از گرسنگی مرگ تدریجی را انتظار می‌کشند، ارتباطی به‌حقوق بشر ندارد؟ تحویل اسلحه از سوی کشورهای بزرگ صنعتی چون فرانسه بدولت افریقای جنوبی که سیاست آپارتید (جدائی نژادی) او از سوی همه مجامع بین‌المللی محکوم شده با اصول حقوق بشر سازگار است؟؟؟؟

واقعیّت اینست که بقول بابکر سین جامعه‌شناس سنگالی: «عمل جاری و تقریباً هر روزه شکنجه، ناپدیدشدن زنان و مردان بی‌گناه، انهدام جسمی و فرهنگی خلق‌ها، توقیف‌های خودخواهانه شهروندان شریف که غالباً بدون هیچگونه دادرسی سربه‌نیست میشوند، قمار مشترک اکثریت قریب باتفاق خلق‌های قاره‌های افریقا، امریکای لاتین و آسیا است..... (امّا اینها) این اعمال، این تجاوزات گسترده به‌حقوق بشر «در زمره اخلاق حسنه» قرار می‌گیرند و وسایل بزرگ خبر که متاسّفانه در اختیار انحصاری غرب است بدلیل عادت‌کردن به‌آنها، خیلی کم و بطور ثانوی دربارهٔشان سخن می‌گویند.»[3]

ولی سوای اینها، مسأله مهمتر اینست که تبلیغات مقامات و ارگانهای معترض به‌احکام دادگاههای انقلاب حتّیٰ براساس اصول پذیرفته شده حقوق بشر نیز قابل دفاع نیست. و این امر وقتی سبب شگفتی میشود که می‌بینیم از جمله معترضین جمعیتها و کمیته‌های حقوقدان را نیز هستند و گرنه اعتراض سخنگوی کاخ سفید بعنوان یک مقام رسمی امریکائی به‌احکام مزبور و دمزدن از حقوق بشر موجب هیچ تعّجبی نیستند.

اینگونه دفاع از «حقوق بشر» ناشی از برخوردی کاملاً یک بعدی به‌حقوق بشر است. عدم توجّه به‌یکپارچگی مفهوم حقوق بشر اگر معلول جهل نباشد منبعث از تجاهلی است که جز به‌توطئه برای حفظ منافع اقتصادی در روابط قدرت، قابل تعبیر نمیباشد. از لحاظ ماهوی حقوق بشر تنها ناظر بر بشر بمفهوم فردی آن نیست. مجموعه افراد در سیمای یک ملّت نیز مشمول حقوق مزبورند. از دیدگاه حقوقی، یکی از اصول مورد قبول جامعه بین‌المللی «اصل «حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت خویش» میباشد که به‌استعمارزدائی و کسب استقلال سیاسی و اقتصادی در جهان سوم مشروعیت بین‌المللی داده است. متون حقوقی مقبول اکثریت قریب باتفاق ملل جهان چون «اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر» و «پیمان‌های بین‌المللی» دربارهٔ «حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» و دربارهٔ «حقوق مدنی و سیاسی» همانگونه که حقوق «فرد» بشر را تضمین کرده حق ملّتها را نیز در مفهوم یکپارچه‌اش برسمیت شناخته است. اینکه «ارادهٔ خلق پایهٔ تسلّط قدرتهای عمومی است» (مادّهٔ ۲۱، بند ۳ اعلامیه) و «همه خلق‌ها حق تعیین سرنوشت خویش را دارند. بر اساس این حق، آنان آزادانه موقعیت سیاسی خود را تعیین و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را تضمین می‌کنند...» (مادّهٔ ۱ پیمان بین‌المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) توجه به‌اراده عمومی ملّت و به‌اصطلاح مادّهٔ ۴ پیمان اخیرالذکر «سعادت عمومی در جامعه‌ای دموکراتیک» آنقدر شده که میتوان گفت برتر از حقوق فردی بشر است. بنابراین، در شرایط کنونی که دولت جدید انقلابی جایگزین دولت استبدادی سابق شده، خیلی طبیعی است که بدلیل اصول، سرنوشت ملّت خویش را تعیین کند و آنچه را که بنفع عموم ملّت می‌داند انجام دهد. در اینمورد مادّهٔ ۴ پیمان بین‌المللی راجع به‌حقوق مدنی و سیاسی قابل توجّه است: «در مواردی که یک خطر عمومی استثنائی موجودیت ملّت را تهدید می‌کند... دولتهای عضو پیمان میتوانند آنطور که موقعیّت اقتضاء دارد، بادقّت، تدابیری اتخاذ کنند که استثنائی بر تعهّدات پیش‌بینی شده در این پیمان باشند...»

در اینجا، مسأله «خطر عمومی» مطرح است که موجودیت ملّتی را تهدید کند. در این حال، نه فقط خود دولت ذینفع بلکه همه دولتهای عضو پیمان می‌توانند آنطوریکه شرایط اقتضاء می‌کند تدابیری بیندیشند که استثناءً تعهدات پیمان را هم ــ در حقوق فردی بشر ــ فایده بگیرد. در شرایط کنونی سیاسی ایران چه خطری عمومی‌تر و بزرگتر از ضد انقلاب برای ملّت ایران وجود دارد؟ ۲۵۰۰ سال ظلم و اختناق را مردم ایران با گوشت و پوست و جان درد کشیدند زیرا نتوانسته بودند دستاوردهای نهضت ملّی مصدّق را حفظ کنند و آنطور که بایسته بود نقش ضد انقلاب را دریابند و ریشه‌کنش سازند. طبیعی‌تر و عادلانه‌تر از این نیست که «ائمّه کفر» ــ سردمداران ظلم و استبداد ــ و «ملاء طاغوت» ــ عاملان ننگین ارتجاع ــ و مترفین و مستکبرین شناخته شده، دستخوش خشم انقلابی خلق شوند و دادگاههای انقلاب آنان را طبق اصولی که مشروعیت ملّی دادند محاکمه نمایند.

تصوّر بعیدی خواهد بود که طرفداران حقوق بشر به‌نفی اعدام جنایتکاران و خیانت‌کارانی چون نصیری، هویدا و ایلقانیان اعتراض داشته باشند (ماده ۶ بند ۲ اعلامیه) و جرائم چنین کسانی از بدترین جرائم و جنایات محسوب شده مشمول استثنائات حقوقی اعلامیه میشوند. در شرایطی که صهیونیسم بعنوان یک نظام نژادپرست از سوی مجامع بین‌المللی چون یونسکو (در ۱۹۷۴) محکوم شده است چگونه میتوان اعدام ایلقانیان را کسیکه از سوی نخست‌وزیر اسرائیل «یک صهیونیست خوب» شمرده شده، کسیکه سالیان دراز مردم مستضعف را استثمار کرده و چه از طریق جاسوسی و چه با خارج‌کردن غنائم ملّت فقیر ایران به‌دولت اسرائیل خدمت کرده خلاف اصول حقوق بشر دانست؟

بنابراین، تنها انتقادی که از سوی معترضین قابل تصوّر است در مورد جنبه‌های شکلی کار دادگاهها است سرعت محاکمه و عدم حضور وکیل... امّا کیست نداند که هر انقلابی شرایطی استثنائی بوجود می‌آورد (مادّهٔ ۴ ذکر شده پیمان بین‌المللی) دادگاههای انقلابی، بدلیل ماهیّت خود، نمیتوانند ملاحظات دادرسی عادی را رعایت کنند و گرنه انقلابی نیستند. دادرسی‌های غیرعادی و استثنائی را حتّیٰ خود نظامهای حقوقی در مواردی موجّه می‌شمارند. شرایط زندانها را اخیراً گروههای گوناگون انسانی و حقوقی منجمله «کمیته حقوقدانان دموکرات» دیده‌اند و در گزارشات خویش، انسانی و مبتنی بر موازین حقوقی وصف کرده‌اند. تحقیقات کامل در مورد جرائم انسانی بعمل می‌آید. غالب محکومیّتها بر اساس اقرار خود مجرمین صورت می‌گیرد. در تعیین مجازاتها نه فقط عدالت که انصاف نیز در نظر گرفته میشود. بر اساس دستور رهبر انقلاب، نه فقط هیچ اهانتی به‌زندانیان نمیشود بلکه کمال خوشرفتاری و احترام تا قطعیّت جرم بعمل می‌آید. و حتی‌المقدور سعی می‌شود تکلیف آنانی که احتمالاً بی‌گناهند هر چه زودتر روشن شده آزاد شوند. چرا مدعیّان حقوق بشر به‌لیست آزادشدگان نظری نمی‌افکنند؟!

بدیهی است که در کنار مسائل شکلی دادگاهها، لازم است دولت انقلابی، آنطور که بایسته است به‌وضع بازماندگان محکومین نیز که هیچ مسئولیت مجرمانه ندارند بگونه‌ای منصفانه التفات کرده بیدار و دوراندیش باشد.

مدعیّان طرفداری از حقوق بشر، اگر بجای «غرض» انصاف داشته باشند نه فقط روش دادگاههای انقلاب را «خشونت» تلّقی نخواهند کرد بلکه آنرا بعنوان بیان «اراده عمومی خلق ایران» مصداقی از «دفاع از حقوق بشر» خواهند شمرد. هم سنگ‌کردن احکام دادگاههای انقلاب ایران در مورد کیفر خیانتکاران و جنایت‌کاران، با احکام دادگاههای شوروی در مورد روشنفکران ناراضی ضد اختناق، آنهم در چهارچوب «دفاع از حقوق بشر» بی‌بهره از کمترین پایه حقوقی و انسانی است.

اگر برداشت و عملکرد از حقوق بشر، همانگونه که بایسته و شایسته است باشد همواره میتوان آنرا بعنوان «یک نهاد اساسی انسانی» محک قرار داده علیه هر گونه استبداد، استثمار و استعباد بکار گرفت. چرا که «دفاع از حقوق بشر» بمفهوم حقیقی‌اش اساس همه مذاهب الهی و مکاتب اخلاقی است.

ن ــ م

۱ــ آیات ۱۰۷-۱۰۸ سورهٔ توبه

۲ــ محمدعلی اسلامی ندوشن ــ ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوّم ــ چاپ داورپناه، مهر ۱۳۵۷، تهران ــ صفحات ۲۰۱-۲۰۲

۳ــ مقاله «حقوق بشر و حقوق بشر پست‌تر» در لوموند ۲ ژانویه ۱۹۷۹

*******

عبداله ملایری

## دیدگاههای اساسی حفظ دستاوردهای انقلاب

تهیه کار برای بیکاران و تجدید فعالیت اقتصادی کشور در آستانهٔ چهارمین ماه انقلاب یک مسأله‌ی اساسی در مقابل ما است. با همه‌ی غافلگیری که شتاب انقلابی در نیمه دوم سال گذشته داشت اکنون که دولت تقریباً بر اوضاع مسلط است دیگر جایی برای عذرخواهی و تعلل باقی نمانده است. چرا این موضوع چنین ضروری و حتی وخیم شده است؟

### مستضعفین تکیه‌گاه انقلاب

انکار نمی‌توان کرد که نیروی انقلابی ما مرکب از قشر پیشتاز دانش‌آموزان، دانشجویان، کارمندان، کسبه، کارگران، روشنفکران و روحانیت مترقی و انقلابی نقش سازنده خودرا در همان تشکل نیم‌بند و در اعتصابها و موضع‌گیریهای روشن در مقابل رژیم سابق بخوبی ایفاء کردند. ولی نقش قاطع انقلابی مردم کوچه و بازار که با زبان مشترک اسلام وارد صحنه کارزار شدند بر تارک هر اقدام انقلابی ما پیروشنی خورشید می‌درخشید. اگر آنها نبودند هیچ نیروی پیشتازی بتنهائی نمی‌توانست بار سنگین جنبش مردمی ما را بمنزل برساند. همین مردم کوچه و بازار بودند که انبوه شهیدان دوره اختناق بیست‌وپنجساله را در طبق اخلاص براه الله نثار کردند و با پایمردی خود و همصدائی و همیاری پشت سر رهبر انقلابی خود یکی از بزرگترین حماسه‌های تاریخ را بوجود آوردند.

اینان ستمدیده‌ترین و محروم‌ترین اقشار مردم ما بودند که از سواد تحصیل علم، آموزش حرفه‌ای، فرصت اشتغال، حداقل بهداشت و درمان و در بسیاری موارد حتی از نان بخورونمیر محروم مانده بودند. تصور این محرومیت در قلم، بیان و حتی شعر هم نمی‌گنجد. باید به‌جنوب شهر تهران، به‌زاغه‌ها، به‌روستاها و به‌شهرهای دور و نزدیک کشورمان رفت و مردمی پاکنهاد و پایمرد و صمیمی را دید که چگونه و در چه شرایطی هر خانوار پنج تا ده‌نفری‌شان تنها در اطاقی به‌مساحت ده متر بسختی زندگی می‌کنند.

اینان تکیه‌گاه انقلاب اسلامی ایران هستند. اینان موتور انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند. اینان ذیحق‌ترین مردم بهر ریال از درآمد نفت و مالیات و منابع دیگر کشورمان هستند. هیچ مرجعی و هیچ مسئولی نمی‌تواند و نباید آنانرا نادیده بگیرد همچنانکه امام همواره آنانرا در مد نظر دارند.

### برای این ستمدیدگان چه می‌توان کرد؟

در هیجان و شتاب انقلاب اسلامی ما در سال گذشته همه ناباوری و ترس که ستم پهلوی در این مردم بوجود آورده بود جای خودرا به‌از جان گذشتگی و کوشش خستگی‌ناپذیر انقلابی داد. این خصیصه با همه فضیلتهای انسانی که با خود آورد یک سرمایه شد که در اختیار رهبران انقلاب و دولت موقت بود و هست. آیا این فضیلت را در مردم کشورمان دیده‌ایم؟ آیا فکر کرده‌ایم که در سایه ایمان به‌اسلام و یک رهبری قاطع و از خود گذشته یک تحول اخلاقی و معنوی را یک‌شبه طی کرده‌ایم؟ آیا از این دگرگونی انقلابی در جهت ساختمان جامعه درهم ریخته خود سود برده‌ایم؟

در طول کمتر از سه‌ماهی که از انقلاب اسلامی ما می‌گذرد مقداری از این هیجان انقلابی و فضائل ناشی از آن فروکش کرده ولی هنوز هم مقدار قابل‌توجهی از آن باقیمانده است. چگونه می‌توان این فضائل را تادیر نشده دریابیم؟ در جامعه‌ایکه یک عده قلیلی بر سی‌وپنج میلیون حکومت می‌کرده‌اند با قوانین و آئین‌نامه‌ها و معیارهای گذشته نمی‌توان قدمی در راه حق برداشت. اگر چنین شود راه‌ورسم گذشته و قدرتمندان گذشته و سرمایه‌داران گذشته را که سنگر امپریالیسم بوده‌اند زیر چتریکه محرومان و ستمدیدگان گسترده‌اند پناه داده‌ایم.

اکنون که کار ما به‌جای باریکی رسیده و نطفه یک بحران اقتصادی با عوامفریبی و فرصت‌طلبی عوامل خودی و بیگانه ضد انقلاب بسرعت شکل می‌گیرد چاره‌ای جز مواجهه مستقیم با مسائل اساسی نظام اقتصادی نیست. لذا برای حفظ دستاوردهای انقلاب و حفظ تکیه‌گاه اصلی آن که مستضعفین هستند و حفظ تداوم حرکت انقلابی اقدام در زمینه‌های زیر اجتناب‌ناپذیر بنظر می‌رسد:

۱ــ اعلام چارچوب سیاست انقلابی دربارهٔ مالکیت واحدهای بزرگ و کوچک صنعتی که بعلت وابستگی و دسیسه‌سازی مدیران و صاحبان آن هم‌اکنون در معرض تعطیل بوده و زمینه یک بحران عمومی را فراهم می‌آورند. در این میان شرکتها و بانکهای خارجی در ایران می‌بایستی ملی شود و بدقت زمینه‌های قطع وابستگی صنایع ما فراهم گردد. اقدام دربارهٔ بانکها که نظام اعتباری آن و نرخ بهره و کارمزدشان در جهت حمایت سرمایه‌داران بزرگ تنظیم شده حرکت اجتناب‌ناپذیری است که با اقدام درباره مالکیتهای ساختمانی و زمینهای کشاورزی باید تکمیل گردد.

۲ــ اعلام حدود مالکیتهای صنعتی و بانکی و کشاورزی مثمر ثمری نخواهد بود مگر آنکه اداره این مؤسسات و مالکیتها تحت رهبری یک «شورای مدیریت کارگاه» با مشارکت فعال کارگران و کارمندان و مهندسان این واحدها و در یک چهارچوبه برنامه اقتصادی که از طرف دولت تنظیم و اعلام می‌گردد تأمین شود.

۳ــ توجه جدی به‌وضع پیشه‌وران و صاحبان صنایع دستی و کارگاهی و دهقانان بی‌پناه در سراسر کشور. اینها که قرادادی با دولت نداشته‌اند که حقوق و مزایا و پاداش نوروز خودرا مطالبه کنند به‌دادرسی احتیاج دارند که کارگاههایشانرا دوباره براه بیندازد و آنها را در مسیر فعالیت اقتصادی کشور قرار دهد.

۴ــ توجه فوری به‌مسأله مسکن، تعیین حدود مالکیت در مسکن (از نظر تعداد)، ملی کردن زمینهای بایر در محدودهٔ شهرها، ارائه اعتبار ارزان قیمت مسکن، ساختمان منازل درخور نیاز و فرهنگ مستضعفین در سراسر کشور.

۵ــ گام نهادن در راه ایجاد صنایع مادر زنده کردن صنایع بومی و کاربُر و صنایع محلی وابسته به‌کشاورزی و تشویق زندگی ایرانی با کالای ایرانی.

این راه‌حلها باید جدی، اصیل و صادقانه تلقی گردد تا ضمن جلب حمایت مستضعفین سد راه اخلالگری و دسیسه‌بازی عوامل ضد انقلاب نیز بشود.

آیا راه ما در حل این مشکلات هموار است؟

هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که حتی یکی از تصمیمات انقلابی که فراراه دولت موقت و شورای انقلاب قرار گرفته آسان است. بیشک لزوم دخالت و مشارکت جدی کارکنان موسسات در مدیریت دستگاههای تولیدی و خدمتی و دولتی بر پیچیدگی راه‌حلها خواهد افزود. بدیهی است راه‌حلها در بخشهای صنعتی خصوصی و صنعتی دولتی، در خدمات، در کشاورزی و در کارگاههای کوچک متفاوت خواهد بود. ولی اصول زیر می‌بایستی بدقت رعایت گردد.

اول باید توجه داشت که اعتبارات جدید که از ثروت ستمدیدگان فراهم می‌شود در اختیار مدیران و سهامداران گذشته قرار نگیرد.

دوم نظام اداری دولت می‌بایستی در نقش راهنما، معلم، مشوق و چاره‌ساز شورای مدیریت کارگاهها وارد میدان شود و آنها را قدم‌بقدم به‌رموز کار و مشکلات صنعت و یا خدمت معینی و به‌بازارهای داخلی و بین‌المللی آشنا سازد.

سوم دولت می‌بایستی هرچه زودتر چهارچوب سیاست اقتصادی خودرا روشن سازد تا از اعمال سلیقه‌های شخصی وزراء و متصدیان دولتی که موجب ناهم‌آهنگی‌های جدی خواهد شد جلوگیری شود.

در هیچیک از این مسائل نمی‌توان انتظار راه‌حلهای سالم و بی‌عیب و نقص را داشت. تکیه بر مردم مستضعف مملکت و اتخاذ یک روش صادقانه و کوشش خستگی‌ناپذیر در اصلاح نقاط ضعف راه‌حلها در ضمن عمل می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلاتی باشد که هم‌اکنون گریبانگیر ما است.

باید توجه داشته باشیم که بیش از قدرت تولید و قدرت خرید مردم مستضعف کشورمان به‌ادامه حرکت انقلابی آنان و به‌پایمردی و محبت و اعتماد آنها نیازمندیم. یک لحظه نباید این تردید را بخود راه دهیم که بدون حمایت بیدریغ آنان قادر به‌ادامه این راه هستیم. و حمایت آنها را بدست نخواهیم آورد مگر آنکه در کمال صداقت و شهامت انقلابی آنانرا در مسائل مملکتی و در تصمیم‌گیریهای جاری کشور مشارکت دهیم و در حل مشکلات همراه آنان به‌راه‌حلهای انقلابی متوسل شویم. برای حل مسائل اساسی در انتظار تصویب قانون اساسی ماندن خطرناک است. شرایط کشور انقلابی است و راه‌حلها نیز باید انقلابی باشد.

*******

### دعوت به...

بقیه از صفحه ۶

سرنگون ساختن استبداد محمد رضا شاهی ثابت کرد و اکنون خود را برای قطع کامل پایگاههای استعمار گران و نابود کردن همه مزدوران امپریالیسم وابسته بدان آماده می‌سازند.

از همه برادران و خواهران و از همه نیروهای مردم مبارز تهران و سازمانها و احزاب و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی دعوت می‌شود برای اعلام همبستگی با رهبر انقلاب و مواضع ضد امپریالیستی امام خمینی، برای حمایت از دادگاههای انقلاب و ادامه مجازات خائنان و مفسدان و برای اعتراض به‌سیاست مداخله گرانه امریکا در راهپیمائی ۹ صبح جمعه ۵۸/۳/۴ شرکت کنند.

آغاز راهپیمائی از جلوی درب شرقی دانشگاه تهران (سه راه تخت‌جمشید)

مسیر راهپیمائی ــ خیابان تخت‌جمشید ــ سفارت امریکا خیابان دکتر علی شریعتی ــ جلوی زندان قصر (محل تشکیل دادگاههای انقلاب)

۵۸/۲/۲۹ جنبش مسلمان مبارز

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

## یاد شهدا را گرامی داریم

**السابقون السابقون اولئک المقربون**

الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سُبُلنا و ان الله مع المحسنین

آنانکه در راه ما بکوشند مسیر حق و مراحل بالاتر را بهایشان نشان خواهیم داد و همانا خدا با نیکوکاران است.

سیر مبارزات خلقهای تحت استضعاف در طول تاریخ و در سراسر جهان همواره دارای نقاط عطفی بوده که نشانه‌های تکامل مبارزه و حرکتهای انقلابی هستند.

در تاریخ معاصر ایران نیز شاهد چنین مواردی هستیم. ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطهٔ عطفی در تاریخ مبارزات خلق مسلمان ایران می‌باشد که منجر بهایجاد یک تغییر کیفی در شیوه‌های مبارزه گشت. هنگامیکه هم شیوه‌های مبارزاتی گذشته و هم رهبران احزاب سنتی و وارثین مبارزات ملی شدن نفت، عجز خود را در رویاروئی با شیوه‌های سرکوبی رژیم نشان دادند، و به «بهانه‌های موزون» میدان را خالی کردند، در آن هنگامهٔ نتوانستنها، گروهی از جوانان با ایمان روح نوانشین شدند و به تدارک نبردی تعیین‌کننده پرداختند.

۱۵ خرداد اگرچه کل مبارزه را بطور عام تحت‌تأثیر قرار داد، اما جنبش اسلامی را بطور خاص از جمودِ اصلاح‌طلبی و رفورمیسم «آبرومندانه» خارج نموده و آنرا بطرف ایدئولوژیک شدن و ایجاد تئوری جایگزین سوق داد.

حنیف‌نژادها، سعید محسن‌ها و بدیع‌زاده‌گانها پس از پی‌بردن به‌نارسائی‌های مبارزات گذشته دست به‌تدارک نبردی مسلحانه، رهائیبخش و مکتبی زدند.

بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین با کوشش خستگی‌ناپذیر خود در جهت تدوین ایدئولوژی گام برداشتند و از طرف دیگر با آغاز مبارزه مسلحانه راه را برای تکامل و تداوم جنبش اسلامی تا آنجا که در توانشان بود باز گشودند.

در شهریور ماه ۱۳۵۰ بعلت خیانت یکی از اعضای سابق حزب توده به‌نام دلفانی عده زیادی از کادرهای سازمان از جمله مجاهدین شهید، سعید محسن، محمد حنیف‌نژاد، اصغر بدیع‌زادگان، محمود عسگری‌زاده و رسول مشکین‌فام، بدام ساواک افتادند و حماسهٔ مقاومت در زندانهای شاه ادامه یافت.

رژیم مزدور پهلوی نیز برای نشان دادن سر سپردگی خود بهاربابش، قبل از مسافرت نیکسون، در روز ۴ خرداد ۱۳۵۱ آنها را بهجوخه‌های اعدام سپرد و بخیال خود آنها را نابود کرد. اما زهی‌خیال‌خام که آنها در مسیر حق بهمرحله‌ای بالاتر هجرت نمودند.

یادشان گرامی‌باد.

***

## شکوه مراسم ولادت حضرت فاطمه (ع) بعنوان روز زن

خلق مسلمان ایران یکبار دیگر ابتکار و هوشمندی خود را در انتخاب ولادت حضرت فاطمه (ع) این الگوی برترین زن مسلمان بعنوان روز زن به تمام جهانیان نشان داد. و نشان داد که خود از فرهنگی غنی و بسیار پُرباری مایه می‌گیرد که میتواند مستقلاً همیشه زنده و پویا در طول تاریخ حرکت کند.

ولادت حضرت فاطمه (ع) بعنوان روز زن این نکته را آشکار ساخت که زن مسلمان ایرانی نقش دورانساز خود را شروع کرده می‌رود تا هویت انسانی و اسلامی خود را باز یابد و معیارهای پوچ و بی‌ارزشی چون زیبائی و مقام قدرت و پول و... را از جامعه ریشه‌کن سازد و بجای آن معیارهای خدایی را که اساس طرز تفکر و بینش ماست، جایگزین آن کند.

باین مناسبت، عصر پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ مراسم ویژه‌ای در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار گردید که طی آن بیش از صدها هزار تن از خواهران در آن شرکت داشتند و تن چند از خواهران در مورد همین روز سخنانی ایراد کردند.

***

## بزرگداشت مراسم سالگرد هجرت معلم انقلاب،

### شهید دکتر علی شریعتی

بمناسبت سالگرد هجرت شهید دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب، عصر روز چهارشنبه ۵۸/۲/۲۶ مراسم باشکوهی با شرکت بیش از ده‌هزار تن از خواهران و برادران در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار گردید.

در این مراسم، مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی و استاد محمدتقی شریعتی و همسر و فرزند شهید شریعتی و هم‌چنین دکتر کاظم سامی وزیر بهداری و طاهر احمدزاده استاندار خراسان و یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران شرکت داشتند که هریک سخنانی دربارهٔ خصوصیات برجسته معلم انقلاب ایراد کردند.

*******

## مفتی اعظم سوریه و دادگاههای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان بتدریج و با شدت مختلف تاثیر خودرا میگذارد. در هفته گذشته مفتی اعظم سوریه از احکام دادگاههای انقلاب اسلامی که در جهت از ریشه برانداختن عوامل ارتجاع و امپریالیسم بوده است دفاع و حمایت کرد. وی طی مصاحبه‌ای که از تلویزیون اطریش پخش شد توجه مردم را به‌جنایات این معدومین که مردم بیگناه را بنابودی میکشیدند جلب نمود.

****

## پیام جنبش مسلمانان مبارز بمناسبت میلاد حضرت فاطمه علیها سلام و

### اعلام روز زن

بنام خدا

در تاریخ بشریت نخستین بار انبیاء الهی بودند که ندای برابری انسانها را سر دادند و علیه همه انواع ستم‌گری و تبعیض و برتری‌جوئی شوریدند و توحید اجتماعی را به‌عنوان یکی از مظاهر برجسته جهان‌بینی توحیدی ضروری شمردند.

و اسلام بود که با شمشیر توحید بندهای اسارت حقارت و رنج و ذلت و استثمار و بردگی را از دست و پای زنان قطع کرد و این پاره تن بشریت را که محکوم و مظلوم و برده مضاعف تاریخ بودند در مقام عالی انسانی و تاریخی خود جای داد و عالیترین نمونه از یک زن یک مادر و یک انسان خدا گونه در چهره و سیمای فاطمه فرزند آزاده پیامبر عرضه نمود تا برای همیشه و همه‌جا بهترین سرمشق و نمونه برای زنان جهان و هدف انسانهای تاریخ باشد.

در پرتو تعالیم این مکتب آزادی بخش و بازشناسی ارزشهای وجودی قهرمانانی چون حضرت فاطمه زهرا بود که زنان میهن ما پرده‌های اوهام و زنجیرهای جهل و بردگی و تسلیم و زبونی را بدور ریختند و ارزش انسانی خویش را در زندگی کسانی چون دختر گرامی پیامبر خدا جستجو کردند و در نهایت جستجو به‌خود آگاهی رسیدند و سپس بر همه مظالم که بر سر آنها رفته بود عصیان کردند و چون شیرزن آزاده‌ای در برابر دژخیمان ایستادند. و مشت بر دهان دشمن کوبیدند. و فریاد حق‌طلبی در فضای تیره میهن ما سر دادند و از مقاومتها و رشادتهای خود حماسه‌ها آفریدند. و شهیدان بسیار آزاده تقدیم خدا و خلق کردند.

نقشی که زنان مسلمان و آزاده میهن ما در انقلاب ایران بر عهده گرفتند در همه تاریخ و در همه جهان بی‌نظیر است.

این تکان عظیم و حرکت خلاق و انقلابی که زنان مجاهد و مسلمان ما محرک آن بودند جز در پرتو آگاهی بر استعدادها ارزش حقوق و مسئولیتهای یک مسلمان راستین و شناخت چهره و زندگی واقعی زنان قهرمان اسلام میسر میشود.

ما این روز پرافتخار را که مصادف با میلاد دختر عزیز رسول خدا و نشانه‌ای از بیداری و قیام زنان مسلمان و مجاهد ماست بهزنان مبارز ایران که دوش بدوش برادران خود انقلاب اسلامی ایران را بهپیروزی رساندند و به‌رهبر انقلاب امام خمینی و به‌همه خلق مسلمان ایران تهنیت می‌گوییم و امیدوار هستیم که خواهران بیدار و مبارز ما همانند گذشته مسئولیت سنگینی را که در این روز حساس تاریخ ما در پی‌ریزی یک جامعه آزاد و بی‌طبقه توحیدی و در مبارزه با دشمنان تاریخی ما استعمار، ارتجاع و استثمار بر دوش دارند بخوبی ایفا کنند.

جنبش مسلمانان مبارز

۵۸/۲/۲۷

*****

## برادر ابوعمار: ملت عرب میگوید آری به‌نبرد تا پیروزی

دمشق ۱۹ر۵ر۱۹۷۹ ـ وفا

برادر ابوعمار (یاسر عرفات) رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین طی نطقی در افتتاح سومین کنفرانس سندیکائی جهانی برای کمک بملت و کارگران فلسطین گفتند: ملت عرب به‌تسلیم و تسلیم‌طلبی جواب نه و به‌نبرد تا پیروزی آری گفتند. ملت ما تجزیه‌پذیر نیست و در راه حیثیت و اصول مترقیانه خود پیکار خواهد کرد. وی همچنین یادآور شد:

صلحی را که از آن دم میزنند و میخواهند بر ما تحمیل کنند رد می‌کنیم و هیچ انقلابی فلسطین آنرا نمی‌پذیرد زیرا صلح را فقط اراده انقلابیون فلسطین میتواند تعیین کند.

****

## اعتراض وزارت امور خارجه به دولت امریکا

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از سفیر جدید آمریکا در ایران خواست تا روشن‌شدن جو سیاسی بین دو کشور سفر خودرا بایران بتعویق بیاندازد.

وزارت امور خارجه در مورد قطعنامه ۱۷ ماه مه سنای آمریکا، اطلاعیه‌ای انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه فوق‌العاده مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ بعد از استماع گزارش وزیر امور خارجه در مورد رویدادهائی در روابط دولت آمریکا با ایران و بررسی پیام مورخ بیستم ماه مه ۱۹۷۹ سایروس‌ونس وزیر امور خارجه آمریکا که توسط کاردار سفارت آمریکا در ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ به وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تقدیم شده و با توجه به قطعنامه‌ای که در ۱۷ ماه مه ۱۹۷۹ به تصویب سنای آمریکا رسیده است، مقرر داشت که این مراتب توسط وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام گردد.

قطعنامه ۱۷ ماه مه ۱۹۷۹ سنای آمریکا درباره ایران دخالت آشکار و غیرقابل انکار مقامات حاکمه آمریکا در امور داخلی ایران محسوب میشود و دولت ایران باین رویه سنای آمریکا شدیداً اعتراض مینماید...... همچنین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی یادداشتی برای وزارت امور خارجه آمریکا مراتب اعتراض شدید دولت ایران را از این اقدام سنای آمریکا اعلام نموده است. در این یادداشت آمده است که ادامه چنین رویه خصمانه‌ای از جانب مقامات مسئول آمریکا باعث خواهد شد دولت ایران زیر فشار افکار عمومی خلق ستمدیده مجبور شود روابط خود را با آمریکا در جهت محدودنمودن آن تجدیدنظر نماید.

***

## پشتیبانی از انقلاب فلسطین

«سازمانهای اسلامی اتحادجماهیر شوروی معاهده خیانت‌آمیز صلح سادات را محکوم کردند»

مسکو ۱۹ر۵ر۱۹۷۹ ـ وفا

رهبران سازمانهای اسلامی اتحاد جماهیر شوروی طی اعلامیه‌ای که اخیراً صادر کردند معاهده صلح خیانت‌آمیز سادات با صهیونیستها را محکوم نمودند. در اعلامیه آمده است که این معاهده اوضاع خاورمیانه را وخیم‌تر میکند. رهبران سازمانهای اسلامی تأئید و پشتیبانی خودرا از سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین اعلام کردند و همچنین از مبارزات خلقهای عرب برای نابودی آثار تجاوزات صهیونیستها و عقب‌نشینی آنها از سرزمین‌های اشغالی و بیت‌المقدس و بازگشت به‌فلسطین و تشکیل دولت مستقل در فلسطین حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

«پشتیبانی رهبر الجزائر از انقلاب فلسطین»

الجزایر ۱۹ر۵ر۱۹۷۹ ـ وفا

شادلی بن‌جدید رهبر الجزایر گفت: بدون درنظر گرفتن حقوق مردم فلسطین صلح عادلانه و دائمی ممکن نیست رهبر الجزایر این مطلب را در نطقی که در وهران ایراد کرد بیان داشت، وی گفت:

همبستگی الجزایر با مبارزات ملت فلسطین در راه استیفای حقوق غیرقابل انکار فلسطینی‌ها حقیقتی آشکار و یکی از اصول انقلاب الجزایر است.

****

## قدمی بجلو در مقابل طرح امپریالیسم

برای جلوگیری از تحقق طرح امپریالیسم و ارتجاع، پس از ایجاد حادثه اخیر در خرمشهر بنظر میآید که سعی در اینست که تمام سلاحهای موجود از دست عناصر و گروههای مزاحم ثبات انقلابی در خرمشهر جمع‌آوری شود. این امر میتواند بعنوان عاملی تا حدی از نفاق‌افکنی امپریالیسم، عناصر ارتجاعی، و فرصت‌طلبان جلوگیری کند.

***

## سربازان مراکشی در صحرا شورش کردند

الجزیره ـ خبرگزاری فرانسه ـ وزارت دفاع صحرای باختری در روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت طی انتشار بیانیه‌ای در الجزیره فاش ساخت که سربازان مغربی گردانهای دخله، از طرف و بیرانزان در روزهای ششم و هفتم ماه مِی در پادگانهای خود علیه افسران مافوق شورش کردند. در این بیانیه آمده است که سربازان شورشی چندتن از افسران را دستگیر و یکی از آنها را در بیرانزان اعدام کرده‌اند. همچنین در بیانیه آمده است که بدنبال تیراندازی در پادگان بیرانزان که در ۱۳ ماه مِی صورت گرفت چهار تن کشته شده‌اند.

## نماینده دولت امریکا در ایران

سنای آمریکا والتر کاتلر را که از چندی پیش بعنوان سفیر جدید در ایران پیش‌بینی میشد مورد تائید قرار داد. ماموریت قبلی وی در زئیر و بمدت سه سال بود. در رابطه با ایجاد یک سپاه صدهزار نفری در جهت حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه (رجوع شود به‌امت شماره ۵)، هنگامیکه از والتر کاتلر سئوال شد از تائید یا تکذیب آن خودداری نموده، اما مطرح نمود که آمریکا میبایست برای مداخله نظامی در این منطقه در سیاست خارجی خود جای بازی باقی گذارد.

در همین رابطه آلفرد آثرتون، یکی از متخصصان خاورمیانه و دنبالهرو کیسینجر در خاورمیانه، بمقام سفارت در مصر تعیین شد.

**

## تفسیر کوتاه وقایع خوزستان

از برقراری آرامش و بررسی مسائل در کردستان، گنبد و نقده، چندان نگذشته، که گزارشات رسیده از خوزستان و اخباری که در مورد خرمشهر از رسانه‌های خبری پخش می‌شود، حاکی از تکوین توطئه دیگری از جانب ارتجاع و امپریالیسم در آن منطقه است. منطقه خوزستان با شرایط حساسی که دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. مردم مسلمان این ناحیه از کشور دارای سابقه مبارزاتی غنی می‌باشند و در نهضت ملی برای احقاق و احیاء حقوق مردم ایران و پایان دادن به استیلای قوای بیگانه در آن منطقه، فعالیتهای مبارزاتی چشمگیری کردند. و در دوران انقلاب هم همراه دیگر برادران و خواهران مبارز و انقلابی خود در سراسر ایران برای پیروزی انقلاب محرومیتها کشیده‌اند. آنچه که امروز در خوزستان در حال تکوین است، نه از جانب مردم غیور و مبارز آن منطقه سرچشمه می‌گیرد و نه به نفع آنان است، بلکه دستهای ارتجاع و حیله‌های امپریالیستی دست‌اندرکار شده‌اند تا با آشوبی دیگر منافع خویش را که با پیروزی انقلاب در خطر جدی است، تأمین کنند.

خوزستان منطقه وسیعی است که در آن ایرانیان عرب و غیرعرب در کنار هم زندگی می‌کنند. در دوران رژیم گذشته توده‌های وسیعی از عشایر، با شرایطی که رژیم گذشته ایجاد کرده بود، از عشیره و قبیله خویش ترک وابستگی کردند و به شهرها برای یافتن کار هجوم آوردند و در سیاستهای رژیم وابسته گذشته در جهت نابودی عشایر و روستاها، عشایر محروم خوزستان نیز با نظام عشیره و قبیلهٔ خویش قطع رابطه کردند و در شرایط بسیار سخت در شهرها، برای یافتن لقمه‌نانی بکار مشغول شدند. توده وسیعی از این برادران و خواهران عرب ما، که بیشتر کشاورز و یا کارگران ساده‌ای هستند، بارها نمودن روستای خویش به شهرها پناه آورده‌اند و در شرایط بسیار سخت و وضع بسیار بدی از نظر مادی بسر می‌برند از طرف دیگر در همان نظام قبیله‌ای شیوخ مرتجعی هستند که با نفوذ زیاد و با ایجاد روابط استثماری، از عدم آگاهی و پائین‌بودن رشد سیاسی کشاورزان و کارگران محروم بهره گرفته‌اند و هرچه بیشتر آنان را به استثمار کشیده‌اند. عده زیادی از این شیوخ مرتجع در نظام گذشته با روابطی که با دربار پهلوی داشتند مجری استبداد حاکم بر برادران عرب ما بودند. با همکاری همین عناصر خودفروخته ساواک مبارزان زیادی از منطقه خوزستان را به زندانهای رژیم انداخت. امروز هم یکی از عوامل مهم ایجاد آشوب در آن ناحیه همین عناصر مرتجعند با وابسته بیگانه‌اند که بنام آزادی بیشتر و حتی زمزمه‌های تجزیه‌طلبی، اما در حقیقت برای حفظ منافع و سلطه خویش، از نارضایتی و هیجان مردم، برای ایجاد نابسامانی و انحراف از مسیر انقلاب بهره می‌گیرند. اینان با همراهی عده‌ای اوباش و مرتجعین دیگر که در رژیم گذشته صاحب ثروت و مکنت شده‌اند و با پشتیبانی امپریالیسم، از احساسات پاک مذهبی برادران عرب و غیرعرب ما سوءاستفاده کرده، و در لباس حقوق خلق عرب، به تضاد مصنوعی و خودساخته بین عرب و عجم، دامن می‌زنند و با اینکار خواسته‌های تجزیه‌طلبانه خویش را جامه عمل می‌پوشانند. خوزستان با موقعیت مرزی و استراتژیک حساس و مرکزیت منابع نفتی و بندری در کشور، برای اقدامات و توطئه‌های ارتجاعی ـ امپریالیستی از اهمیت خاصی برخوردار است. شیوخ مرتجع با گماشتن عناصر و افراد از جانب خویش در مرزها، اسلحه زیادی وارد و توزیع می‌کنند، و از اقدامات نیروهای اصیل انقلاب ممانعت بعمل می‌آورند. همین مرتجعین برای گریز از مجازاتهای نیروهای انقلاب، بهمراه تجزیه‌طلبان برای به سازش‌کشانیدن دولت و همچنین برای تداوم حاکمیت استبدادی ـ استثماری خویش با گروههای فرصت‌طلب که در جهت کسب قدرت و بسط پایگاه توده‌ای برای خویشند حرکت می‌کنند، و در تکوین یک آشوب در خوزستان متحد شده‌اند.

در این میان توده‌های وسیعی از مردم (عرب و غیرعرب) با اعتقادات مذهبی مشترک و آرمانها و خواسته‌های مکتبی و انقلابی مشترک، به حیله‌های امپریالیستی ـ ارتجاعی پی برده‌اند و در جهت مبارزه با (مرتجعین ـ تجزیه‌طلبان ـ فرصت‌طلبان) حرکت می‌کنند. اما دوربودن از مرکز و کمبودی که وسائل تبلیغاتی برای روشن نمودن اهداف انقلاب دارند، آشکارا میدان را برای مرتجعین و فرصت‌طلبان باز گذاشته است. برنامه‌های رفاهی و مردمی و خواستهای انقلابی توده مردم، نه تنها بسرعت پیش نمی‌رود، بلکه بسیاری از این خواسته‌های بحق نادیده گرفته میشود، و این خود روزنه دیگری است که مرتجعین و فرصت‌طلبان از این کمبودها بهره می‌گیرند، و به تبلیغات مسموم‌کننده دامن میزنند. نکته دیگری که در ایجاد حوادث در خوزستان میتواند تأثیر بسیار داشته باشد، برخوردنکردن قاطع دولت است به حل مسائل بنیادی و سرکوبی، عناصر مرتجع، و از جمله شیوخی که سالها در خدمت ارتجاع پهلوی بودند و توده‌های محروم عرب را به استثمار کشیده‌اند. امروز این مرتجعین نه‌تنها آزادانه زندگی می‌کنند، بلکه بی‌پروا علیه انقلاب توطئه می‌نمایند. مردم آنان را می‌شناسند، و می‌بینند که هنوز قدرت در دست آنهاست و قیاس این قدرت با ضعفی که دولت انقلابی در دستگیری و محاکمه و مجازات عناصر ضدانقلاب و مرتجعین از خود نشان میدهد، باعث شده تا از شور مبارزاتی و انقلابی توده مردم کاسته شود، و میدان عمل برای مرتجعین و اوباش همراهشان بازتر گردد.

مسائلی که در خوزستان میگذرد، با ابعاد وسیعی که دارد نیاز به تفسیر بیشتر دارد، اما در این شرح کوتاه برای حل مسائل خوزستان قاطعیت انقلابی دولت و اجراء طرحهای سریع رفاهی برای عشایر محروم و تبلیغ دست‌آوردها و اهداف و آرمانهای انقلاب برای مردم، همچنین محاکمه و مجازات مرتجعین، تجزیه‌طلبان و فرصت‌طلبان، از ضروری‌ترین برنامه‌هاست. اگر به مسائلی که در منطقه خوزستان میگذرد برخوردی اصولی نشود و تنها به رفع مشکلی در اینجا و آنجا اکتفا شود، هرچه بیشتر میدان عمل را برای ارتجاع و امپریالیسم در آن منطقه حساس باز گذاشته‌ایم. تشکیل شوراها از نمایندگان عشایر محروم که سالها زیر سلطه ظلم و استثمار و استبداد بودند و همچنین در شهرهای مختلف خوزستان و در سطح استان در بین مردم متعهد و مسئول، برای پیشبرد انقلاب و خلع ید از مرتجعین محلی باید در صدر برنامه‌ها قرار گیرد. با تشکیل این شوراها مردم خوزستان که دارای کارنامه مبارزاتی غنی می‌باشند، برای سرکوبی مرتجعین و وابستگان توطئه‌گر در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و سازندگی انقلابی استان خوزستان، الگو خواهند شد.

****

لطفاً وجوه نشریات امت را بحساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمائید.

هفته‌نامه امت
شماره ۶
چهارشنبه ۲ خرداد ۵۸
زیرنظر: شورای نویسندگان امت
آدرس جدید: خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
(انجمن دوشیزگان و بانوان سابق)
۸۳۲۸۳۹
۸۳۲۹۸۲
چاپ شرکت افست «سهامی عام»

# با پشتیبانی از دادگاههای انقلابی، پیروزی انقلاب را تضمین کنیم